

بِسْمِ

اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ



ماهنامه تخصصی
آفاق روشن‌بیداری

مدیر مسئول:

میثم عرب سرخی

سر دبیر:

مرتضی سلمانی

همکاران تحریریه: صفحه آرای:

دکتر مجید صفاتاج، سروش منصوری
محمد امین عرب سرخی، حمیدرضا نیکوپیام
واحد هنری موسسه فرهنگی هنری
آفاق روشن‌بیداری

نشانی دفتر ماهنامه

تهران - خیابان توحید - خیابان نیایش شرقی
پلاک ۳۷ - واحد ۱۰۲
دکتر اسماعیل شفیعی سروسستانی، دکتر محمد هادی همایون،
صالح قاسمی، علیرضا عرب، علیرضا نوری
با سیاست از: موسسه فرهنگی هنری آفاق روشن‌بیداری

تلفن: ۴۶۰۴۱۶۲۱ - همراه: ۰۹۳۳۷۷۵۰۱۹۳

رایانامه: aafaq_journal@gmail.com | آفاق روشن‌بیداری | @aafaq_journal

در این شماره می‌خوانید:

سرمقاله	۳	قدرت بازدارندگی پاشنه آشیل اسرائیل
خط رو خط	۵	استراتژی سطل آب
میز خبر	۶	
رژیم صهیونیستی	۱۹	
	۲۰	لابی یهود در روابط اسرائیل و روسیه
	۳۰	سفر نتانیا هو و آینده راهبردی عمان
	۳۸	بازدارندگی مقاومت غزه و شکاف در کابینه
	۴۵	معامله قرن از عبدالناصر تا محمد بن سلمان
مقاوت اسلامی	۵۱	
	۵۲	بیخ تاریخی جمعیت در فلسطین
	۶۰	نگرش‌های جدید در عربستان به اسرائیل و یهودیان
تمدن شناسی	۶۷	
	۶۸	تاریخ تمدن و ملک مهدوی - نشانه‌ها و تمدن
	۷۲	شگفتی‌های پیش از ظهور
	۷۹	پنج گام تا تمدن اسلامی - گام پنجم تمدن اسلامی

قدرت بازدارندگی پاشنه آشیل اسرائیل

اینکه اهالی غزه پس از استعفای وزیر جنگ رژیم صهیونیستی به شادی پرداخته و با رفتن به سوی خانه اسماعیل هنیه آن را پیروزی حماس دانستند، اتفاق ساده‌ای نیست. در واقع ترس از آینده را می‌توان در تاروپود این رژیم نژادپرست کاملاً حس کرد. روزنامه صهیونیستی اسرائیل هیوم در این باره نوشت: استعفای لیبرمن به دنبال موفقیت حماس در رویارویی با اسرائیل رخ داد و جنبش فلسطینی موفق به ساقط کردن کابینه اسرائیل شد. یکی از ویژگی‌های تنش اخیر بین غزه و رژیم صهیونیستی، قدرت نمایی توان موشکی گروه‌های مقاومت در غزه بود؛ ارتش رژیم صهیونیستی اعلام کرد، ۴۶۰ فروند موشک از غزه به سوی سرزمین‌های اشغالی شلیک شده است. در واقع پیروزی حماس طومار همه مانورهای نظامی که طی دو سال گذشته در سرزمین‌های اشغالی با هدف آمادگی برای جنگ‌های زمینی و موشکی آینده توسط ارتش رژیم اسرائیل برگزار شد، پیچید و نشان داد آنها بیشتر شبیه یک ببر کاغذی هستند. ترس از جنگ‌های آینده در منطقه -به ویژه در لبنان و سوریه- را می‌توان در اسناد و بررسی‌های راهبردی آنها دید. تقریباً در هیچ یک از این اسناد دیده نشده که آنها توفیق ویژه‌ای را برای خودشان متصور باشند.

یکی از آخرین آنها پیش بینی جنگ برای سال ۲۰۱۹ است، که مدعی شده‌اند اگر به وقوع نپیوندد، در سال ۲۰۲۵ با حجمی گسترده‌تر غیر قابل اجتناب است. این گزارش متذکر شده است اگر رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۹ اقدام به جنگ در منطقه نکند، طی ۶ سال آینده بسیاری از عناصر قدرت بازدارندگی خود را از دست خواهد داد. بر این اساس سوریه و متحدانش توانمندی‌های نظامی خود را به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهند داد. علاوه بر این که مصونیت امنیتی و اعتماد به نفس آنها نیز افزایش پیدا خواهد کرد. ترس اصلی درباره همین قدرت بازدارندگی است. در این گزارش تحت عنوان «جنگ جدید شمال و احتمال آغاز» چندین سناریو مطرح شده است که به صورت زیر بیان می‌گردد:

۱- جنگ با لبنان

این جنگ بین رژیم اسرائیل و حزب الله لبنان آغاز می‌شود و بنابر ادعا، ایرانی‌ها و هزاران نفر از مبارزان شیعه و حتی جنبش حماس نیز در آن مشارکت خواهند داشت. بر اساس این سناریو جبهه سوریه تقریباً آرام باقی خواهد ماند و اسرائیل عملیات خود را به صورت محدود در جبهه لبنان انجام می‌دهد.

۲- جنگ با سوریه

بر اساس این سناریو جنگ میان نیروهای اسرائیلی با نیروهای ایرانی و شبه نظامیان شیعه از جمله حزب الله لبنان ایجاد می‌شود. همچنین ممکن است عناصری از ارتش سوریه نیز در اراضی این کشور در این جنگ شرکت داشته باشد. بر اساس این سناریو جبهه لبنان تقریباً آرام خواهد ماند. در صورتی که نیروهای زمینی سوریه نیز در این مبارزه شرکت کنند، امکان مداخله روسیه برای دفاع از متحدانش نیز وجود دارد.

۳- جنگ در دو جبهه

وقوع جنگ در لبنان و سوریه بین نیروهای اسرائیلی از یک طرف و نیروهای ایرانی و حزب الله و مبارزان شیعی و ارتش سوریه از طرف دیگر در این سناریو بررسی می‌شود. در این سناریو رژیم صهیونیستی باید جبهه لبنان و سوریه را به عنوان یک ارتش عملیاتی واحد مدنظر قرار دهد.

۴- جبهه‌های دیگر

بر اساس این سناریو ممکن است جنگ رژیم صهیونیستی در لبنان یا در سوریه صورت بگیرد. همچنین این احتمال وجود دارد که جنگ مذکور در غزه شکل بگیرد یا شورش‌های مردمی در کرانه باختری ایجاد شود. همچنین این احتمال وجود دارد که عملیات نظامی در داخل سرزمین‌های اشغالی انجام شود.

۵- جنگ منطقه‌ای

بر اساس این سناریو ممکن است جنگ منطقه‌ای ایجاد شود که علاوه بر طرف‌هایی که ذکر شد، شامل عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز باشد. براساس این سناریو اسرائیل ممکن است در این جنگ عملیات هجومی را ضد صنایع نفتی یا تأسیسات هسته‌ای در ایران انجام دهد و این اقدام مورد تشویق یا حمایت لجستیک کشورهای حاشیه خلیج فارس قرار گیرد و ایران نیز موشک‌های خود را علیه سرزمین‌های اشغالی یا کشورهای مذکور وارد عمل کند. این اتفاق باعث افزایش تنش در منطقه شده و حتی احتمال مداخله نظامی آمریکا نیز می‌رود.

سردبیر

استراتژی سطل آب

راهبرد امام در مسأله فلسطین چه بود؟ می‌گفت هر کسی یک سطل آب بریزد. شما باید این استراتژی را منتقل کنید. باید به این راهبرد برسید که ما می‌خواهیم یک کاری بکنیم که هر مسلمانی در هفته نیم ساعت برای فلسطین وقت بگذارد و هزار راه کار داشته باشد. هر کس، هر توانی که دارد. از یک بچه پنج ساله، شما باید طرح برایش داشته باشید، مثلاً بیا برای غزه نقاشی بکش، تا وزیر ارشاد، تا کارگردان سینما و...

همین استراتژی سطل آب. امام جمله خیلی راهبردی و حکیمانه‌ای گفته‌اند؛ با همین یک جمله، هم دشمن را تحقیر کرده‌اند، هم روش داده‌اند، هم مزیت نسبی مسلمان‌ها را یادآوری کرده‌اند و قدرت مسلمان‌ها را به خودشان نشان داده‌اند. مثلاً من یک معلم دبستان هستم در سودان، چه کار می‌توانم برای حمایت از غزه بکنم؟ باید برای او هم طرح داشته باشید. مثلاً تو برو برای بچه‌های کلاس مسابقه نقاشی غزه برگزار کن؛ تو هم در مالزی این کار را بکن، تو هم در فیلیپین، تو هم در کانادا. نتیجه‌اش را هم بیاورید در این سایت. این مثلاً یک موج است، ولی همه باید شریک بشوند. کارهای کوچک و عملی و هدفمند و مستمر تعریف بشود.

هر کس در دانشگاه، هر جا هست، باید به تناسب کار خودش، کار بکند. ما نباید مبارزه را از زندگی عادی جدا کنیم. مثلاً دانشجویهای فنی بروند توی خط این که خط تولید موشک‌های دست ساز طراحی کنند، که اگر این‌ها می‌خواهند جلوی قاچاق سلاح به غزه را بگیرند، ما مثلاً به یک فناوری نظامی پرتابل برای گروه‌های پارتیزانی چریکی برسیم. بچه‌های برق و الکترونیک هم بیایند در حوزه جنگ الکترونیک کار کنند. جواب می‌دهد این کارها. چند تا از بچه‌های شیمی و متالورژی هم بیایند بگویند ما می‌خواهیم یک چیزی بسازیم که حتی اگر شش سال دیگر هم محاصره طول بکشد، اینها با مثلاً پودر رختشویی هم بتوانند موشک درست کنند.

از این اقدامات گرفته تا اینکه برای دانشجوی زبان اسپانیولی هم طرح داشته باشیم که تو هم این کارها را می‌توانی بکنی؛ یک وبلاگ اسپانیولی این طوری بزن، اینها را بگذار روش، برو توی این وبلاگ‌های اسپانیولی کامنت بگذار و... ولی متأسفانه همه می‌خواهند یک کاری بزرگ و عظیمی بکنند؛ هیچ کس آن کار را هم نمی‌کند! یک کاری می‌خواهیم بکنیم که کارستان باشد. در حالی که کار کارستان همین است، هر کس یک سطل آب بریزد.



منبر خبر

محور مقاومت



رژیم صهیونیستی

اتفاضة

غروب آسایا



2040



YOU WILL NOT SEE NEXT 20 YEARS COO WILKING
چون شما نخواهید دید در 20 سال آینده
www.14.masoum.com



کرانه باختری سازی نوار غزه در دستور رژیم صهیونیستی!!

رئیس حزب اردوگاه صهیونیستی تاکید کرد که اوضاع جاری در غزه مستلزم ارائه طرح و راهکاری نظامی از سوی نخست وزیر و وزیر جنگ برای بازگرداندن تشکیلات خودگردان به این باریکه و برقراری اوضاعی مشابه سال ۲۰۰۷ قبل از به قدرت رسیدن حماس در این منطقه است.

آوی گبای دوشنبه ۷ آبان ماه تصریح کرد که کرانه باختری تحت حاکمیت تشکیلات خودگردان از امنیت برخوردار است در حالی که در غزه چنین چیزی وجود ندارد و بازگرداندن تشکیلات خودگردان به این باریکه باید یکی از اهداف دولت رژیم صهیونیستی باشد و سوال اینجاست که چطور می توان از طریق اقدامات و راهکارهای سیاسی و اقتصادی به چنین هدفی دست یافت.

درست است که اوبامازن بهترین دوست برای ما نیست اما او از ما خواسته است تا نوار غزه را به سیطره خود درآوریم حتی اگر این کار از طریق عملیات نظامی انجام شود و او نیز آمادگی خود را برای این کار اعلام کرده است!

گبای افزود که عباس می خواهد در غزه آتش به پا کند و ما را در آن گرفتار کند اما در نهایت ما منفعی داریم که باید بدانیم چه چیزهایی هستند و این منافع عبارت است از سیطره مجدد تشکیلات خودگردان بر نوار غزه و نه حماس و نه جهاد اسلامی و نه حتی دیگر گروه های مقاومت فلسطین نباید جایی در این باریکه داشته باشند.

وی اظهار داشت که شهرک نشینان صهیونیست در مجاورت باریکه غزه از موشک های مقاومت رنج می برند و این وضعیت غیرقابل قبول است و نباید در برابر آن تسلیم شد. وی گفت که اوضاع به سمتی پیش می رود که دولت نمی داند چکار باید انجام دهد و وضعیت به چه شیوه خواهد بود.

آوی گبای دولت رژیم صهیونیستی را به نداشتن هیچگونه استراتژی و راهکاری در قبال غزه متهم کرد و گفت دولت کنونی همچون کشتی ای است که گروهی از افراد مست سکان آن را بدست گرفته اند و هر بار به سمتی آن را می رانند و با یکدیگر به بحث و مشاجره می پردازد و در کل این دولت فاقد هرگونه استراتژی است.

مقام ارشد نظامی آذربایجان در تل آویو!!

رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آذربایجان برای اولین بار در تاریخ روابط این کشور با رژیم صهیونیستی، به منظور تحکیم روابط نظامیان میان دو طرف وارد فلسطین اشغالی شد.

ژنرال «نجم الدین صادق اف» در این سفر با «گادی ایزنکوت» همتای صهیونیست خود و نیز افسران ارشد ارتش صهیونیستی دیدار خواهد کرد و از یگان های نظامی مختلف ارتش این رژیم نیز بازدید خواهد داشت.

هدف از این سفر تقویت روابط نظامی رژیم صهیونیستی و آذربایجان و نیز پیشبرد قراردادهای امنیتی میان طرفین اعلام شده است.

گفتنی است که رژیم اشغالگر قدس در سالهای اخیر جنگ افزارهای متعددی به ارزش صدها میلیون دلار؛ از جمله هواپیماهای بدون خلبان (پهپاد) به جمهوری آذربایجان فروخته است و گفته می شود که با توجه به همسایگی آذربایجان با ایران و موقعیت راهبردی این کشور، مناسبات نظامی باکو - تل آویو در ماه های اخیر تا حد زیادی گسترش یافته است.

جنگ قدرت میان رقیب قدیمی!!

نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیستی با افتخار اعلام کرد که توانسته است در عرض ۳ و نیم دقیقه ۳۰۰ فلسطینی را به شهادت برساند.

«ایهود باراک» نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیستی جمعه در گفتگو با شبکه ۷ تلویزیون این رژیم اظهار داشت که اگر نخست وزیر یا وزیر جنگ شود، صدها فلسطینی را قتل و عام خواهد کرد.

باراک اذعان کرد که در زمان نخست وزیری اش، در عرض ۳ و نیم دقیقه ۳۰۰ فلسطینی عضو جنبش حماس را به شهادت رسانده است.

او بحث و مشاجره های اعضای کابینه امنیتی دولت رژیم صهیونیستی بر سر غزه را مشاجراتی کودکانه خواند و گفت چنین مشاجره هایی به هیچ وجه در شأن این رژیم نیست.

ایهود باراک تاکید کرد که بنیامین نتانیا هو نخست وزیر فعلی رژیم صهیونیستی فاقد هرگونه استراتژی واضح و روشن در قبال حماس در نوار غزه است و طی ماه های گذشته در برابر این جنبش تسلیم شده است.

در همین راستا، سامی ابوزهری از رهبران حماس در واکنش به اظهارات باراک تصریح کرد که اعتراف او به قتل و کشتار ۳۰۰ فلسطینی در عرض ۳ و نیم دقیقه، ثابت می کند که «اسرائیل» یک رژیم تروریست است که گروهی جنایتکار آن را اداره می کنند.

ابوزهری در توثیقی تاکید کرد که جامعه بین الملل باید به مسئولیت های خود در قبال این اعترافات خطرناک عمل کند.

ایهود باراک که هفته خود را با این سخنان آغاز کرده بود در اظهاراتی جدید خطاب به بنیامین نتانیا هو نخست وزیر کنونی این رژیم، اعلام کرد که

تشدید حملات را مشخص می کند و دولت صهیونیستی نمی تواند کاری انجام دهد.»
گفتنی است که محافل سیاسی رژیم صهیونیستی از نحوه تعامل دولت نتانیاهاو با پاریکه غزه و تحمیل قواعد بازی از سوی جنبش مقاومت اسلامی «حماس» به این رژیم؛ به ویژه در جریان تظاهرات های حق بازگشت اخیر در مرزهای غزه خشمگین و عصبانی هستند و از این وضعیت به شدت انتقاد کرده اند.

وی در غزه تسلیم جنبش مقاومت اسلامی «حماس» شد.
ایهود باراک نتانیاهاو را به تسلیم در برابر جنبش حماس در غزه متهم کرد و گفت: دولت وی مضطرب و هراسان است و راهش را گم کرده است.
وی افزود: دولت نتانیاهاو راهبرد خود برای تعامل با محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین را از دست داده است و از بحران عمیق در روابط با اردن نیز رنج می برد.
وی افزود: «بنیامین نتانیاهاو تسلیم حماس شده است و این جنبش زمان

جریان سفر به فلسطین اشغالی برای دیدار با مسئولان تشکیلات خودگردان فلسطین، با شماری از مسئولان اسرائیلی نیز دیدار و گفتگو کرده است. در جریان سفر بن علوی به فلسطین اشغالی، نتانیاهاو چندین مرتبه تلفنی با سلطان قابوس گفتگو کرده است.

این روزنامه عبری زبان همچنین فاش کرد که پس از دیدار نتانیاهاو با سلطان قابوس در مسقط، مراسمی برگزار شده و موسیقی برای نتانیاهاو پخش شد که این موسیقی ترکیبی از سبک آفریقایی، هندی و فارسی بوده است.

همچنین یک منبع سیاسی اسرائیلی اعلام کرد که سفر نتانیاهاو به عمان ۱۲ ساعت کامل به طول انجامیده است. این منبع گفت که نتانیاهاو در این سفر تحت تاثیر شخصیت و درایت سلطان قابوس قرار گرفته است.

سلطان قابوس در این دیدار، در مورد دو مسئله و پرونده اظهار نظر

اسرائیل و رابطه با دنیای عرب!!

نتانیاهاو اواخر هفته اول آبان ماه رسماً به عمان سفر کرد و با سلطان قابوس بن سعید پادشاه این کشور دیدار کرد. در این سفر همسر نتانیاهاو و رئیس موساد نیز او را همراهی می کردند.

در همین مورد روزنامه عبری زبان اسرائیل هاپوم روز ۹ آبان ماه زوایای پنهانی از این سفر را فاش کرد از جمله آنکه: نتانیاهاو قبل از سفر به عمان و دیدار با سلطان قابوس بن سعید پادشاه این کشور، دیدارهای مکرری با وزیر خارجه این کشور داشته است.

این روزنامه فاش کرد که نتانیاهاو یک سال و نیم پیش چندین مرتبه با یوسف بن علوی بن عبدالله وزیر خارجه عمان در جریان یکی از سفرهای خارجی خود دیدار کرده بود.

این روزنامه عبری زبان تاکید کرد که وزیر خارجه عمان فوریه گذشته در

کرده‌است که البته این دو پرونده فاش نشده‌است.

در ادامه علنی شدن ارتباطات اسرائیل با کشورهای منطقه در اقدامی قابل تأمل، مری ریگیف وزیر ورزش و فرهنگ رژیم صهیونیستی که همراه با تیم جودوی این رژیم راهی امارات شده بود، پس از کسب مدال طلا توسط جودوکار اسرائیلی و نواخته شدن سرود این رژیم در ابوظبی، به گریه افتاد.

این در حالی است که «اسرائیل کاتس» وزیر اطلاعات و حمل و نقل رژیم صهیونیستی نیز قرار است هفته آینده به منظور شرکت در اجلاسی راهی عمان شود که این مسئله بیانگر تمایل تل آویو به توسعه روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس است.

از طرفی دیگر، «ایوب قرا» وزیر ارتباطات رژیم صهیونیستی نیز به منظور شرکت در اجلاسی دیگر، به امارات سفر کرد. این در حالی است که رژیم صهیونیستی و امارات روابط رسمی با یکدیگر ندارند.

در همین راستا روزنامه عبری زبان یدیعوت آخارانوت یکشنبه در گزارشی از مذاکرات محرمانه مقامات بحرین و رژیم صهیونیستی پرده برداشت.

در بخشی از این گزارش آمده است که این مذاکرات با هدف مقدمه چینی برای علنی کردن روابط بحرین با «اسرائیل» صورت می‌گیرد.

این مذاکرات همچنین با هدف مقدمه چینی برای سفر بنیامین نتانیا هو نخست وزیر اسرائیل به منامه و در چارچوب عادی سازی روابط با کشورهای عربی

پیش از اعلام طرح صلح آمریکایی موسوم به «معامله قرن» انجام می‌پذیرد.

شیخ «خالد بن احمد آل خلیفه» وزیر خارجه بحرین نیز اعلام کرده بود که «امیدوار است تلاش های سلطان قابوس بن سعید پادشاه عمان برای احیای روند سازش میان اسرائیل و طرف فلسطینی به نتیجه برسد».

وی در جریان همایش «گفتگوی منامه» در بحرین تأکید کرده بود که «عضویت در ائتلاف امنیتی منطقه ای که قرار است میان آمریکا و همپیمانان آن در خلیج (فارس) و نیز کشورهای مصر و اردن تشکیل شود، برای طرف هایی که بخواهند به اصول و مبانی آن پایبند باشند، آزاد است».

بیشتر کشورهای عربی از سال ۱۹۴۸ از برقراری روابط با رژیم صهیونیستی اجتناب می‌ورزند، اما اکنون نتانیا هو به برقراری و توسعه روابط با این کشورها بر پایه ترس و نگرانی مشترک در مورد ایران و تقویت روابط تجاری امید بسته است.

تحلیلگران اسرائیلی معتقدند که بنیامین نتانیا هو که بجز نخست وزیر عملا سمت وزیر خارجه رژیم صهیونیستی را نیز بر عهده دارد، امید زیادی به کسب دستاوردهای سیاسی در زمینه عادی سازی روابط با کشورهای عرب حوزه خلیج دارد.

ترس از گسترش نفوذ ایران در منطقه، عامل مشترکی است که می‌تواند بسیاری از کشورهای عربی را بیش از پیش به رژیم صهیونیستی نزدیک تر کند.



معمار روابط نوین اسرائیل با اعراب!!

«یوسی کوهن» رئیس موساد شخصی است که رسانه‌های اسرائیلی وی را مهندس روابط عربی - اسرائیلی جدید می‌دانند که با سفرهای گسترده خود به پایتخت‌های کشورهای منطقه، سعی در تحکیم روابط محرمانه میان اسرائیل و آن دسته از کشورهای عربی را دارد که روابط دیپلماتیک رسمی با تل آویو ندارند.

روزنامه معاریو در مقاله‌ای به قلم شامیر شالمور عنوان داشته است که سازمان موساد پس از ایفای نقش مهم در زمینه برقراری موفقیت آمیز روابط میان اسرائیل و کشورهای عربی در دوره اخیر که با سفر بنیامین نتانیا هو نخست وزیر این رژیم به کشور پادشاهی عمان به اوج خود رسید، ارزش و احترام روزافزونی پیدا کرده است و بسیاری از ماموریت‌های سیاسی و دیپلماتیک به این سازمان سپرده شده است و آن هم با

موفقیت ماموریت‌های محول شده را اجرا کرده است.

این نویسنده صهیونیست در مقاله خود خاطر نشان کرده است که جامعه بین المللی موساد را سازمانی دارای نقش مرکزی و تاثیر گسترده بر تحولات سیاسی اسرائیل می‌داند، اما این تنها به این خاطر نیست که موساد یک سازمان امنیتی و اطلاعاتی است، بلکه به خاطر افزایش حرف و حدیث‌ها درباره نقش آن در بسیاری از رایزنی‌ها، دیدارها و بیانیه‌های صادره از سوی سفرا و دیپلمات‌ها و محافل سیاسی در نیویورک و واشنگتن است.

شامیر که خودش از دیپلمات‌های سابق رژیم صهیونیستی است و تا حد زیادی در جریان امور آمریکا قرار دارد، به نقل از یک دیپلمات غربی مقیم آمریکا اعلام کرد که «ترجیح می‌دهد به جای پیگیری تحولات داخلی اسرائیل و روابط خارجی آن، آخرین عملیات‌های موساد و نقش آفرینی‌های روز افزون آن در عرصه سیاسی و دیپلماتیک را دنبال کند.»

در همین راستا روزنامه عبری زبان اسرائیل هایوم عنوان کرده است: در سایه تلاش‌های نتانیا هو برای تشکیل ائتلاف راهبردی به منظور علنی کردن روابط عاشقانه زیرزمینی کشورهای عربی و اسلامی با اسرائیل، کوهن فرستاده محرمانه و شخصی نخست وزیر به کشورهای عربی شده است» و این تلاش‌های کوهن با سفر نتانیا هو به عمان به اوج خود رسید. وی در مقاله‌ای خاطر نشان کرده است که «پس از گذشت بیش از یک هفته از این سفر، هیچ حادثه بدی اتفاق نیافتاده است و هیچ کشور عربی این سفر را محکوم نکرده و یا از آن انتقاد نکرده است، بلکه برعکس، در پشت پرده مسائل متفاوتی روی می‌دهد و این سفر کشورهای عربی دیگر را هم که علاقه مند به عادی سازی روابط با اسرائیل هستند، تشویق خواهد کرد و آن‌ها بیش از اینکه از این مساله

ضربه بخورند، سود خواهند کرد.» یک دیپلمات صهیونیست هم که در جریان جزئیات سفر اخیر نتانیا هو به عمان قرار دارد، اعلام کرده است که عمان به خوبی حد و اندازه خود در منطقه را می‌داند و پایش را از گلیمش درازتر نمی‌کند. این کشور می‌داند که منازعه فلسطینی - اسرائیلی لقمه بزرگی است، اما سعی می‌کند طبق الگوی سوئیس، در منطقه خاورمیانه به برخی طرف‌ها کمک کند. وی افزود: کوهن در پشت پرده گسترش روابط کشورهای عربی با اسرائیل قرار دارد؛ به طوری که با سرعت زیاد میان پایتخت‌های کشورهای منطقه در رفت و آمد است و سعی در تحکیم روابط محرمانه میان تل آویو و پایتخت‌های عربی دارد که روابط دیپلماتیک رسمی با اسرائیل ندارند.

حماس را تشکیلات خودگردان ساقط می‌کند نه اسرائیل

مدیر سابق سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی در گفتگو با روزنامه صهیونیستی والا اعلام کرد: درگیری چند روز گذشته با حماس، ثابت کرد که این جنبش بسیار قوی‌تر از گذشته شده و قدرت آن از سال ۲۰۱۴ تاکنون چند برابر شده است، تا جایی که شروط و خواسته‌های خود را به ما دیکته می‌کند.

بن باراک که از مدیران ارشد سابق موساد است ادعا کرد که حماس میلیاردها دلار برای ساخت انبارهای تسلیحاتی خود هزینه کرده است.

وی اظهار داشت که پس از تمامی این اتفاقات، نتیجه و راه حل این است که رژیم صهیونیستی باید با حضور حماس در مرزهای خود کنار بیاید و دنبال بهبود اوضاع اقتصادی حدود دو و نیم میلیون فلسطینی در غزه باشد. همچنین در ادامه اشاره کرد که وظیفه ما براندازی حماس در غزه نیست، این وظیفه تشکیلات خودگردان است و باید به دنبال راه‌حلی برای آن باشد و ما علیه حماس وارد جنگ نمی‌شویم تا زمانی که محمود عباس بر نوار غزه سیطره یابد، ما تنها همراه با مصر به تثبیت آرام سازی اوضاع در این باریکه کمک می‌کنیم.



ماگلان و عملیاتی که هزینه گزافی را به اسرائیل تحمیل کرد!!

عملیات شب یکشنبه در شرق خان یونس واقع در جنوب نوار غزه که منجر به جنگی سه روزه بین اسرائیل و حماس شد را یکی از یگان‌های ویژه ارتش به نام «ماگلان» انجام داده است.

لورفتن این عملیات موجب شد تا سخت‌ترین جنگ در سال جاری میان حماس و اسرائیل در بگردد. در پی لورفتن این عملیات، رژیم صهیونیستی برای عقب کشیدن نیروهای خود به پوشش هوایی پرداخت که باعث خسارات زیادی به گردان قسام شد.

در همین راستا و در پاسخ به این حمله حماس در طی دو روز ۴۰۰ راکت به شهرک سدروت پرتاب کرد که تنها ۱۰۰ راکت توسط گنبد آهنین رهگیری شد و مابقی در خیابان‌های شهرک‌های صهیونیستی فرود

آمد. این حملات هرچند از سوی صهیونیست‌ها بی پاسخ نماند، اما سرانجام باعث شد در روز سه‌شنبه این رژیم با خواسته‌های حماس موافقت و آتش بس را اعلام کند. در همین راستا صدها شهرک نشین صهیونیست شب گذشته در اعتراض به شکست ارتش رژیم صهیونیستی در برابر مقاومت فلسطین و موافقت با آتش بس در غزه، گذرگاه کرم ابوسالم در مرز با غزه را مسدود کردند.

شهرک نشینان صهیونیست در اعتراض به ناتوانی ارتش در برابر مقاومت فلسطین و تسلیم شدن آن در غزه، تظاهرات کرد. شهرک نشینان معترض با آتش زدن لاستیک خیابان‌ها را مسدود کرده و مانع از تردد کامیون‌های حامل کالا از گذرگاه تجاری کرم ابوسالم شدند. در میان تظاهرکنندگان، سمحا گولدن مادر نظامی اسیر اسرائیلی در غزه نیز حضور داشت.



بنیامین نتانیاهو، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی شد!!

بنیامین نتانیاهو شامگاه یکشنبه ۲۷ آبان در اوج بحران سیاسی در دولت ائتلافی خود، اعلام کرد که از این پس سمت وزیر دفاع را هم در اختیار خواهد گرفت.

بنیامین نتانیاهو در حالی از به عهده گرفتن پست وزارت دفاع با حفظ سمت نخست‌وزیری خبر داد که نفتالی بنت، رهبر حزب «بیت یهودی»، بعد از استعفای آویگدور لیبرمن از سمت وزارت دفاع، اصرار کرده بود که او باید وزیر دفاع شود.

کناره‌گیری لیبرمن به دلیل ناخشنودی از آتش‌بس با سازمان‌های مسلح فلسطینی در نوار غزه، سرآغاز بحرانی بزرگ در ائتلاف دولت نتانیاهو شده است.

نخست‌وزیر اسرائیل در حالی بیانیه آغاز دوران وزارت دفاع خود را خواند که ساعتی پیش از آن با موشه کهلون، وزیر دارایی که رهبر یکی از شش حزب هم‌پیمان با دولت است، دیدار کرد.

رسانه‌های اسرائیل گزارش دادند که دیدار

نتانیاهو- کهلون به دلیل عدم موفقیت، بسیار کوتاه بود. اما ظاهراً دیدار دیگری برای روزهای آینده میان آنها تعیین شده است.

کهلون، رهبر حزب «کولانو» که حزب نوپای او با تنها چهار سال سابقه ۱۰ کرسی مجلس دارد، تاکید کرده که نمی‌توان با حمایت لزران ۶۱ نماینده از ۱۲۰ عضو مجلس، یک دولت را اداره کرد.

دادن وزارت دفاع به نفتالی بنت مخالفان سرسخت دیگری در میان وزیران ارشد وابسته به حزب لیکود نیز داشت.

همزمان با بیانیه نتانیاهو در اعلام آغاز به دست گرفتن وزارت دفاع، رسانه‌های اسرائیل گزارش دادند نفتالی بنت که تا حال وزیر آموزش و پرورش بوده و ایلت شاکد، وزیر دادگستری، دو وزیر ارشد حزب «بیت یهودی»، روز دوشنبه ۲۸ آبان در یک نشست خبری «استعفا می‌دهند».

اما خود این دو وزیر فعلاً از واکنش نشان دادن به اخبار رسانه‌ها خودداری کرده‌اند.



معامله قرن اتلاف وقت است!!

وزیر دادگستری رژیم صهیونیستی اظهار داشت که طرح صلح آمریکا موسوم به معامله قرن اتلاف وقت است.

ایلیت شاکید تصریح کرد که اختلاف بین فلسطینیان و اسرائیلی ها بسیار زیاد است و بعید است که بتوان به توافقی بین آن ها دست یافت. شاکید تاکید کرد: می خواهیم به ترامپ بگویم که وقت خود را تلف نکند.

این در حالی است که روزنامه جروزالیم پست ۱۱ ماه جاری اعلام کرد که دولت آمریکا در مراحل پایانی تهیه معامله قرن قرار دارد و این طرح تا دسامبر سال آینده آماده رونمایی خواهد شد.

البته یک منبع آگاه تاکید کرد که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا تصمیم گرفته است رونمایی

از طرح صلح خود موسوم به معامله قرن را به تعویق بیاورد.

این منبع اشاره کرد که ترامپ تصمیم گرفته است به منظور جلب رضایت بنیامین نتانیاهاو نخست وزیر رژیم صهیونیستی، اعلام این طرح را به ماه فوریه آینده موکول کند.

قبلا یک مسئول آمریکایی در کاخ سفید گفته بود اوضاع سیاسی رژیم صهیونیستی هرگز مانع از تغییر زمان اعلام معامله قرن نخواهد شد.

از سوی دیگر، شاکید ضمن اظهار شک و تردید در مورد ادامه تلاش ها برای تثبیت آرام سازی اوضاع در نوار غزه، تاکید کرد که به باور من آتش بس در غزه چند ماه به طول می انجامد و پس از آن شکسته خواهد شد.



حماس تصاویر نیروهای ویژه ماکالان را منتشر کرد!!

سخنگوی ارتش صهیونیستی مدعی شد که جنبش مقاومت اسلامی «حماس» سعی در حل معمای عملیات صورت گرفته در عمق خاک باریکه غزه را دارد که در جریان آن گروه ویژه ای از نظامیان یگان ویژه ارتش این رژیم در تاریخ ۲۰۱۸/۱۱/۱۱ به شرق خان یونس حمله کرده بودند.

سخنگوی ارتش صهیونیستی در واکنش به انتشار تصاویر عناصر تیم عملیاتی رژیم صهیونیستی توسط گردان های قسام و تاکید بر اینکه طی روزهای آینده بقیه سرخ های این عملیات شکست خورده را هم کشف خواهد کرد، اعلام کرد که انتشار هر گونه اطلاعات می تواند جان سربازان اسرائیلی را به خطر بیاندازد یا به امنیت رژیم صهیونیستی ضربه بزند و از همین رو، انتشار هر گونه اطلاعات یا جزئیات مربوط به تصاویر منتشر شده از سوی حماس ممنوع است. در همین راستا، دایره سانسور اخبار

صهیونیستی نیز با صدور بیانیه ای اعلام کرد که «صرفنظر از صحت و سقم جزئیات منتشر شده از سوی حماس، همگان باید از انتشار این تصاویر و اطلاعات افرادی که اسامی شان در تصاویر دیده می شود، خودداری کنند و آنها را در پایگاه های اینترنتی یا شبکه های اجتماعی منتشر نکنند.»

گردان های شهید عزالدین قسام شاخه نظامی جنبش مقاومت اسلامی «حماس» امروز پنجشنبه طی بیانیه ای اعلام کرد سرخ های جدیدی از عملیات شکست خورده ارتش صهیونیستی در شرق خان یونس واقع در جنوب باریکه غزه به دست آورده است. قسام همچنین تصاویر مجریان این عملیات و خودروهای مورد استفاده در آن را منتشر و اعلام کرده است که تحقیقات درباره این عملیات همچنان ادامه دارد و به زودی سرخ های دیگر این عملیات را هم کشف خواهد کرد.



غرب آسیا



حمایت سائرون از عبدالمهدی!

روزنامه حریت چاپ ترکیه روز چهارشنبه ۳۰ آبان در مطلبی مدعی شد که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سی‌ای‌ای) فایل یک مکالمه تلفنی «بسیار افشاگر» محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی را در اختیار دارد که در آن «دستور می‌دهد هر چه سریع‌تر جمال خاشقجی را ساکت کنند.»

این گزارش در رسانه‌های آمریکایی نظیر واشینگتن‌پست و یو اس تودی بازتاب یافته است. یو اس تودی نوشته که نمی‌تواند به‌طور مستقل ادعاهای مطرح شده در این گزارش را تایید کند. در عین حال سازمان سی‌ای‌ای نیز معمولاً به گزارش‌های مربوط به فعالیت خود واکنشی نشان نمی‌دهد.

روزنامه حریت مدعی است که ولیعهد عربستان سعودی دستور داده که هر چه سریع‌تر جمال خاشقجی را ساکت کنند و این مکالمه در عملیات شنود سازمان سی‌ای‌ای ضبط شده است.

ماه گذشته جینا هاسپل رییس سازمان سیا برای تحقیق در مورد قتل جمال خاشقجی به ترکیه سفیر کرد و نتایج این سفر را به دونالد ترامپ گزارش داد. جمال خاشقجی ستون نویس واشنگتن پست و از منتقدان سیاست‌های عربستان سعودی و به خصوص ولیعهد آن کشور روز دوم اکتبر در کنسولگری عربستان سعودی در استانبول به قتل رسید.



ترامپ از ارزش‌های عربستان سعودی دفاع می‌کند!!

هیئت تحریریه روزنامه نیویورک تایمز طی یادداشتی به بررسی اظهارات دیروز ترامپ پرداخت و ادعا کرد که ترامپ از ارزش‌های عربستان سعودی دفاع می‌کند.

هیئت تحریریه روزنامه نیویورک تایمز در شماره امروز خود با انتشار یادداشتی با عنوان «ترامپ از ارزش‌های عربستان سعودی دفاع می‌کند» به بررسی اظهارات دیروز ترامپ درباره قتل جمال خاشقجی پرداخت.

در این یادداشت آمده است: «ترامپ با بی‌توجهی نسبت به گزارش سازمان سیا و ارزش‌های آمریکایی، فریب اظهارات مقامات سعودی در خصوص قتل خاشقجی را خورد. در واقع ترامپ به صراحت اعلام کرد که هر اندازه

که قتل خاشقجی اشتباه و هر کسی که در پشت این ماجرا باشد، در کنار رژیم سعودی خواهد بود».

هیئت تحریریه این روزنامه آمریکایی با اشاره به اظهارات ترامپ که گفته بود «دنیا جای بسیار خطرناکی است» نوشته است: «ترامپ با دادن جسارت به زورگویان در عربستان سعودی و دیگر کشورها دنیا را به جای خطرناکی تبدیل کرده است».

این روزنامه همچنین نوشته است: «تمامی ابعاد قتل جمال خاشقجی باید مشخص شود. هیچ کس از جمله محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی نباید از جنگ قانون فرار کنند».

رژیم صهیونیستی

دشمن شناسی عبارت است از اینکه؛ دشمنت را بشناس و بدان که درباره تو چگونه می‌اندیشد. با این الگو ما دشمن خود را بهتر شناخته و دستگاه تحلیلی و ذهنی آنان را بهتر می‌شناسیم.

بنابر اصل «مقدمه الواجب کالواجب» همان‌طور که مقدمه نماز واجب یعنی وضو، واجب می‌باشد؛ برای ملت‌هایی که شعار محو اسرائیل جزء جدا نشدنی تفکر و اعتقادات اوست — و تهیه بخشی از مقدمات فریضه نابودی رژیم غاصب قدس، از باب همین تلقی و برداشت قلمداد می‌شود — ضروری است برای مقابله با این دشمن بنیادی، آن را به خوبی بشناسیم.





علیرضا نوری
استادیار دانشگاه شهیدبهبشتی
کارشناس مسائل منطقه

لابی یهود در روابط اسرائیل و روسیه

تعدد دیدارهای مقامات ارشد روسیه و اسرائیل از جمله تواتر ملاقات‌های نتانیا‌هو و پوتین یکی از مصادیق خاص بودن روابط این دو طرف است که شاید برای هیچ شریک دیگر مسکو این تعدد مصداق نداشته باشد. نتانیا‌هو برای چندمین بار طی ماه‌های اخیر و پس از حادثه دخالت اسرائیل در ساقط شدن هواپیمای ایل-۲۰ روسیه به دیدار پوتین خواهد رفت. مقایسه واکنش سخت روسیه به ساقط شدن سوخو ۲۴ خود توسط ترکیه (نوامبر ۲۰۱۵) با رویکرد احتیاطی آن در موضوع ایل-۲۰ از نشانه‌های تفاوت اسرائیل با دیگر شرکاء مسکو است. در تحلیل چرایی این مسئله، در بین عوامل مختلف نمی‌توان از تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم لابی یهود چشم پوشید.



به دلیل پیچیدگی، چندلایه و مخفی بودن لابی یهود پیدا کردن منابع اصلی تأثیر آن در روابط مسکو و تل آویوو آسان نیست. بر این اساس، مراد این نوشتار نه بررسی جامع جنبه‌های این لابی که مستلزم مجالی فراخ است، بلکه اشاره‌ای مختصر به پیشینه تاریخی آن است که تأثیر خود را تا به کنون حفظ کرده است. رجوع به تاریخ تشکیل دولت اسرائیل و نقشی که روس - اسلاوتبارهای در شکل‌گیری، پا گرفتن و تقویت این دولت داشته و هم‌اکنون نیز در ساختارهای مختلف سیاسی، نظامی و اجتماعی تل آویوو حضور و نفوذ دارند، می‌تواند نمای واضح‌تری از تأثیر لابی یهود بر روابط اسرائیل و روسیه به دست دهد.

ارتباطات ایدئولوژیکی - مذهبی یهودیان فعال در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و امنیتی روسیه با هم‌تایان اسرائیلی خود منبع مهمی از این تأثیر است، به‌ویژه اینکه شمار زیادی از یهودیان اسرائیلی دارای ریشه قومی روس - اسلاو هستند. همین ویژگی قومی - نژادی در کنار ایدئولوژی یهود لابی موجود در روابط روسیه و اسرائیل را از انواع دیگر این لابی متفاوت می‌کند. به عنوان مثال، هر چند در امریکا لابی ثروت و قدرت یهود با تأکید بر اهداف سیاسی و آرمان‌های یهود به پیشبرد اهداف اسرائیل کمک می‌کند، اما در روسیه علاوه بر وجود این سطح، در سطح پایین‌تر عامل نژادی - قومی نیز در جریان‌ات لابی‌گری موثر است.



سرزمین فلسطین به اسرائیل تعلق می‌گرفت). گرومیگو در پیش-مذاکرات مربوط به قطعنامه تقسیم از مواضع اسرائیل حمایت می‌کرد. پس از آنکه امریکا حمایت خود از قطعنامه تقسیم را کاهش داد و پیشنهادی درباره قیمومیت سازمان ملل بر فلسطین مطرح کرد، این شوروی بود که ضمن مخالفت با این پیشنهاد از اصل تقسیم به نفع اسرائیل حمایت کرد. شوروی اولین کشور جهان بود که دو روز بعد از اعلامیه استقلال اسرائیل (می ۱۹۴۸)، دولت تل‌آویو را به صورت رسمی (دوژور) به رسمیت شناخت، حال آنکه شناسایی اسرائیل از سوی امریکا در این مقطع هنوز وضعیت دوفاکتو داشت. شوروی در جنگ سال ۱۹۴۸ اعراب و اسرائیل و در وضعیتی که اسرائیل در برابر اعراب در وضعیت ضعف قرار داشت، علاوه بر حمایت سیاسی، کمک‌های نظامی (از جمله از طریق چکسلواکی) و اقتصادی نیز به اسرائیل ارائه داد و اقدامات نظامی

یکی از مهمترین گزاره‌های تاریخی در این مورد فرضیه نقش آفرینی مستقیم استالین و دولتمردان وی از جمله آندره گرومیگو، نماینده وقت شوروی در سازمان ملل و ویاجسلاو مولوتوف، وزیر خارجه وقت شوروی در تشکیل و تحکیم دولت اسرائیل است. استالین در ابتدای شکل‌گیری این دولت اقدامات مشخصی انجام داد که به واسطه آنها از وی به عنوان یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری و پاگرفتن دولت نوظهور اسرائیل یاد می‌شود:

یهودیان مهاجر مزارع جمعی کوچکی را از ساکنان فلسطین خریداری نموده و با غصب مناطق بیشتر، مزارع جدیدی را به وجود آوردند که بعدها این مناطق زمینه ساز تشکیل یک شهر به نام تل‌آویو شد. جمعیت یهودیان فلسطین با این مهاجرت‌ها تا سال ۱۹۰۳ به ۵۷,۰۰۰ نفر رسید و این در حالی بود که جمعیت کل ساکنان بومی فلسطین در این سال بیش از ۶۴۰,۰۰۰ نفر بود.

شوروی از طراحان و حامیان قطعنامه ۱۸۱ سازمان ملل (۲۹ نوامبر ۱۹۴۷) در مورد خاتمه قیمومیت بریتانیا بر فلسطین و تشکیل دو دولت عربی و یهودی بود (طبق این قطعنامه ۵۵ درصد اراضی

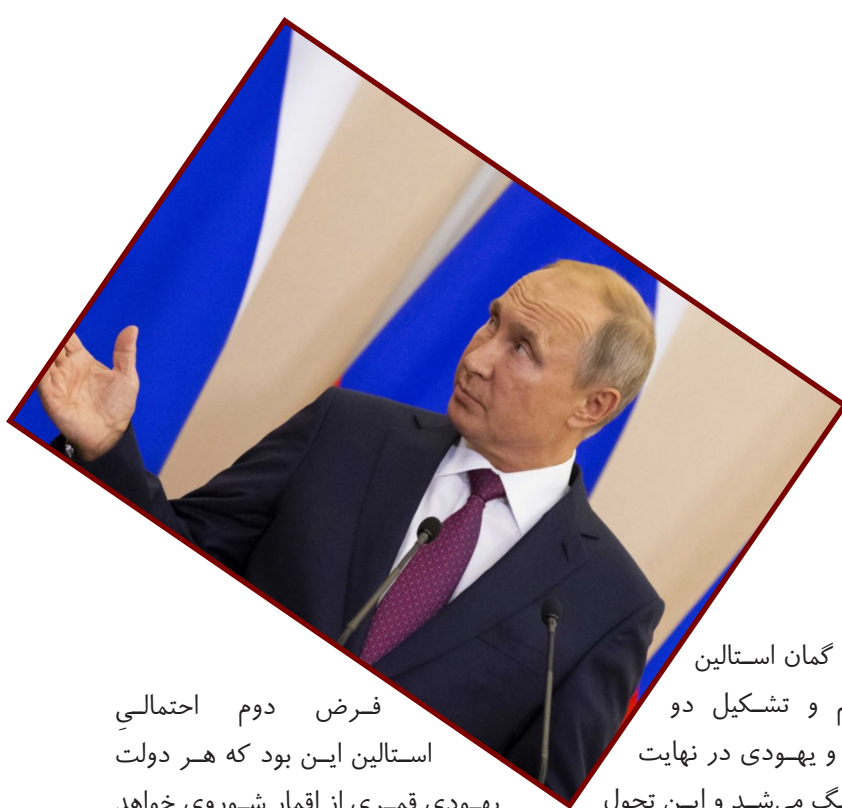


اسرائیل را «دفاع از خود» تعبیر کرد. شوروی از اعتراض اسرائیل در ژوئن ۱۹۴۸ به پیشنهاد بازبینی طرح تقسیم از سوی فولکه برنادوت، میانجی سازمان ملل حمایت کرد. شوروی در همین سالها از اسرائیل در مسئله بازگشت آوارگان فلسطینی حمایت می‌کرد.

بنا به دلایل مشخص از جمله بروز اختلاف میان شوروی و اسرائل در دهه ۱۹۵۰ و تقویت روابط مسکو با کشورهای عربی که در متن تحولات بین‌المللی به‌ویژه جنگ سرد بروز یافتند، مسکو تمایل چندانی به پرداختن به مسئله دخالت شوروی در تشکیل دولت یهود نداشت و در مقابل بر عاملیت امریکا در حمایت از تشکیل این دولت بیش از پیش تأکید شد. با این حال، تحلیل‌گران بسیاری در روسیه، غرب و اسرائیل بر این تأکیدند که بدون حمایت‌های شوروی و استالین دولت اسرائیل نمی‌توانست شکل بگیرد و دوام یابد.

قابل تأمل اینکه در غالب منابع تصریح می‌شود که دیدگاه‌های یهودستیزانه استالین در این مقطع و مقاطع بعدی

حفظ شده بوده و از جمله او در مذاکرات خود در سال ۱۹۴۵ در یالتا با تئودور روزولت یهودیان را «دلال و انگل» نامیده بود. از سوی دیگر، در حالی این حمایت‌ها به تل‌آویو ارائه می‌شد که بسیاری از نزدیکان و مشاوران استالین به دلیل نگرانی از واکنش منفی دولت‌های اسلامی و عربی مخالف این امر بودند. مولوتوف در خاطرات خود تأکید دارد که به‌رغم این مخالفت‌ها، تصمیم نهایی در این خصوص از سوی شخص استالین و وی گرفته شده است. بر این اساس، در مورد چرایی تصمیم استالین برای حمایت از تشکیل دولت اسرائیل به دو فرض اصلی سیاسی اشاره می‌شود؛



اول اینکه به گمان استالین طرح تقسیم و تشکیل دو دولت عربی و یهودی در نهایت منجر به جنگ می‌شد و این تحول با تضعیف امریکا و بریتانیا در خاورمیانه در نهایت به نفع شوروی بود.

فرض دوم احتمالی استالین این بود که هر دولت یهودی قمری از اقمار شوروی خواهد بود و شوروی می‌تواند از آن به عنوان اهرم نفوذ در خاورمیانه‌ای که زیر تسلط بریتانیا و امریکا است، استفاده کند. در سال ۱۹۴۷ دامنه جنگ سرد در حال کشیده شدن به مدیترانه و خاورمیانه بود. حمایت شوروی از دولت یهود می‌توانست ضمن تحدید نفوذ بریتانیا، دامنه بازی مسکو در این دو منطقه را افزایش دهد. حمایت از اسرائیل حتی به بهاء ناراحتی کشورهای عربی از شوروی ارزشمند بود.

هرچند با کوتاه شدن دست بریتانیا یکی از اهداف استالین در حمایت از تشکیل دولت اسرائیل محقق شد، اما خلأ قدرت بریتانیا در سرزمین‌های

یهودیان مهاجر مزارع جمعی کوچکی را از ساکنان فلسطین خریداری نموده و با غصب مناطق بیشتر، مزارع جدیدی را به وجود آوردند که بعدها این مناطق زمینه ساز تشکیل یک شهر به نام تل‌آویو شد. جمعیت یهودیان فلسطین با این مهاجرت‌ها تا سال ۱۹۰۳ به ۵۷۰,۰۰۰ نفر رسید و این در حالی بود که جمعیت کل ساکنان بومی فلسطین در این سال بیش از ۶۴۰,۰۰۰ نفر بود.

بر این اساس، مسکو با حمایت از طرح تقسیم می‌توانست روابط امریکا و بریتانیا و روابط امریکا با کشورهای عربی را با چالش مواجه کند. به‌ویژه تشکیل دولت اسرائیلی با کوتاه کردن دست بریتانیا (رقیب دیرینه شوروی) به نفوذ آن در سایر کشورهای منطقه از جمله مصر، سوریه، ترکیه و عراق نیز خاتمه می‌داد.



فلسطینی نه با شوروی، بلکه با امریکا جایگزین و همین امر دلیلی بر فاصله افتادن

داشته‌اند. از جمله مشهورترین این افراد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛

بین اسرائیل و شوروی و سوق یافتن مسکو به حمایت از کشورهای عربی در متن جنگ سرد شد. در هر حال، از یک سو به تبع حمایت‌های اولیه مسکو از تشکیل دولت یهود و ایجاد نخبگان و مقامات هوادار خود در این دولت و از سوی دیگر، به دلیل موج مهاجرت روس-اسلاوتبارها به اسرائیل دو سطح ارتباط و لابی بین مسکو و تل‌آویوو نضج گرفت و توسعه یافت.

در سطح اول، شمار زیادی از سیاسیون ارشد اسرائیلی قرار دارند که با ریشه روس-اسلاوی و مسلط به زبان روسی از ابتدای شکل‌گیری دولت اسرائیل تا کنون در راهبری این کشور تأثیر موثر

نوه شعیم وایزمن، اولین رئیس‌جمهور اسرائیل، جد بلاروسی(موشه شارِت دومین نخست‌وزیر اسرائیل، متولد بلاروس)لیوی اشکول (نخست‌وزیر اسرائیل دور چهارم کِنِست، متولد

اولمرت (متولد اسرائیل با ریشه روسی - اوکراینی) آریل شارون (متولد اسرائیل، دارای پدر و مادر روس مهاجر به اسرائیل) اسحاق (یتزاک) رابین (ششمین و یازدهمین نخست‌وزیر اسرائیل، متولد اسرائیل را ریشه اوکراینی) مناخیم بگین (پایه گذار حزب لیکود و ششمین نخست‌وزیر اسرائیل، متولد بلاروس) موشه یالون (وزیر دفاع اسرائیل ۲۰۱۳ - ۲۰۱۶، متولد اسرائیل، اجداد اوکراینی). در مراتب پایین‌تر در بین وزراء، افسران ارتش و ... نیز یهودیان بسیاری با تبار روس - اسلاو دیده می‌شوند که ارتباطات تاریخی، قومی، خونی و زبانی خود را با سرزمین مادری حفظ کرده‌اند. هرچند در آیین یهود مذهب بر قومیت ارجحیت دارد، اما نمی‌توان از تأثیر این پیوندها و به تبع آن لابی‌ها و حمایت‌هایی که از این طریق بین مسکو و تل‌آویوو شکل می‌گیرد، غافل بود. در سطح دوم یعنی سطح عمومی‌تر، این واقعیت که تا قبل از انقلاب اکتبر (۱۹۱۷) ۳۸ درصد کل یهودیان دنیا (حدود ۵ میلیون از ۱۳ میلیون نفر) در سرزمین روسیه زندگی می‌کرده‌اند

اوکراین) شیمون پرز (نخست‌وزیر سابق و نهمین رئیس‌جمهور اسرائیل، متولد بلاروس) گلدا مییر (چهارمین نخست‌وزیر اسرائیل، متولد اوکراین) اسحاق شامیر (یزرینیتسکی) (هفتمین نخست‌وزیر اسرائیل، متولد بلاروس) مناخیم بگین (ششمین نخست‌وزیر اسرائیل، متولد بلاروس) آویگدور لیبرمن (وزیر دفاع و خارجه اسرائیل، متولد مولداوی) یوسف اسپرینزاک (اولین رئیس‌کنست اسرائیل و از تحکیم‌کنندگان دولت اسرائیلی، متولد مسکو) کادیش لوز

تا سال ۲۰۱۷ جمعیت کل یهودیان ساکن در اراضی اشغالی بیشتر از جمعیت کل مسلمانان فلسطینی ساکن در فلسطین بود. اما به واسطه برتری الگوی نرخ باروری و نرخ رشد جمعیت مسلمانان، در سال ۲۰۱۷ در سیر تحولات جمعیتی فلسطین واقعه بسیار مهم به وقوع پیوست و آن عبارت است از برابری جمعیت کل مسلمانان و یهودیان ساکن در گستره فلسطین و سپس برتری جمعیت مسلمانان از جمعیت یهودیان. لذا می‌توان سال ۲۰۱۷ را از منظر جمعیت پژوهی، بیخ تاریخی جمعیت در فلسطین نامید.

(سومین رئیس‌کنست اسرائیل، متولد بلاروس) روون بارکات (چهارمین رئیس‌کنست اسرائیل، متولد لیتوانی) یولی - ووال ادلستین (رئیس‌کنست اسرائیل از سال ۲۰۱۳، متولد اوکراین) تزویی لیونی (وزیر خارجه و دادگستری اسرائیل، متولد اسرائیل با پدری بلاروسی) ایهود باراک (دهمین نخست‌وزیر اسرائیل، متولد اسرائیل با اجداد لیتوانیایی) ایهود



و این رقم تا قبل از ورود شوروی به جنگ جهانی اول در سال ۱۹۴۱ حدود ۳۰ درصد بوده، قابل تأمل است. بخشی از این جمعیت به‌ویژه بعد از فروپاشی شوروی به اسرائیل مهاجرت کرده و هم‌اکنون روس-اسلاوتبارهای یهودی ساکن اسرائیل جمعیتی بین ۱ تا ۱/۲۰۰ میلیون نفر از کل جمعیت ۸/۵ میلیونی این کشور را تشکیل می‌دهند.

یهودیان باقی مانده در روسیه همچنان که در محاورات معمول در این کشور تأکید می‌شود، در رده‌های بالای ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و امنیتی این کشور حضور و نفوذ دارند. باید توجه داشت که یهودیان طبق سبک زندگی سنتی خود از برملا کردن مذهب خود در میان غیریهودیان ابا دارند و بر همین اساس نمی‌توان آمار صحیحی از جمعیت آنها در روسیه ارتدوکس به دست داد. اما می‌توان حدس زد که جمعیت آنها حتی بعد از مهاجرت‌های بزرگ به اسرائیل در دوره شوروی و پسا شوروی بیش از جمعیت حدود ۲۳۰ هزار نفری است که معمولاً در آمارهای رسمی به

آن اشاره می‌شود.

نکته مهمی که این جمعیت را به اسرائیل مرتبط می‌کند، سنتی مهم در یهودیسم و ایدئولوژی یهود مترتب بر حس قوی هم‌پیوندی، پیوستگی و سرنوشت مشترک است که یهودیان را به حمایت متقابل غیرآشکار، غیراعلامی و خودجوش از یکدیگر و از اهداف یهودیت در سراسر جهان وا می‌دارد. از این منظر، جمعیت یهودی حاضر در نهادهای مختلف روسیه به صورت خودجوش، در کنار لابی قدرت و ثروت در روسیه و جهان بر روابط مسکو با تل‌آویو اثر می‌گذارند و برای تحقق اهداف اسرائیل تلاش می‌کند. همچنان که اشاره شد، این حمایت خودجوش و غیرآشکار با توجه به پیوندهای تاریخی،

قومی، نژادی و زبانی (زبان مشترک مادری روسی) میان روس‌های یهودی و روس-اسلاوتبارهای یهودی حاضر در اسرائیل با راحتی بیشتری نسبت به سایر کشورها انجام می‌شود.

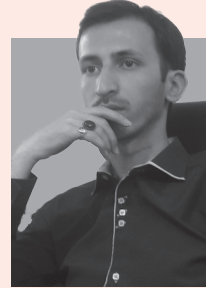
این دو سطح از منبع لابی یهود در روابط روسیه و اسرائیل بر سیاست خاورمیانه‌ای مسکو از جمله مثلث ایران-روسیه-اسرائیل تأثیرات خاص خود را داشته و خواهد داشت. این تأثیر در رویکرد احتیاطی کرملین در مراودات تسلیحاتی با ایران، محدودیت‌گذاری‌ها در تعامل با تهران در سوریه، هماهنگی‌ها و همکاری‌های اطلاعاتی در سوریه و به‌ویژه در مورد خاص بازگذاشتن دست اسرائیل در حمله به سوریه (مواضع ایران) ملموس است.





با این ملاحظه، هرچند لابی یهود تأثیرات خاصی بر برخی تصمیمات خاورمیانه‌ای مسکو دارد و روسیه را مجبور به لحاظ برخی ملاحظات اسرائیل می‌کند، اما کرملین با در نظر داشتن اصل موازنه و سیاست چندبرداری رابطه با اسرائیل را به نحوی دنبال نمی‌کند که به روابط آن با سایر بازیگران خاورمیانه از جمله ایران خللی اساسی وارد شود. هرچند مسکو بر اساس این سیاست از قرار گرفتن در معرض انتخاب نهایی بین ایران و اسرائیل احتراز دارد، اما اگر در معرض چنین انتخابی قرار گیرد نمی‌توان تأثیر لابی یهود در چرخش مسکو به سمت تل‌آویو و علیه منافع تهران را نادیده گرفت.

در عین حال، در سنجش تأثیر لابی یهود بر سیاست خارجی روسیه از جمله در قبال ایران نباید اغراق کرد. این لابی در کنار توانمندی‌ها، محدودیت‌های خود را دارد و همچنانکه در دوره جنگ سرد نتوانست مانع از حمایت‌های شوروی از اعراب شود، در مقطع حاضر نیز تأثیر آن بر سیاست خاورمیانه‌ای مسکو گسترده نیست. در سوی دیگر، نمی‌توان از استفاده ابزاری روسیه از اسرائیل غافل ماند. همچنانکه یکی از اهداف استالین در حمایت از تشکیل دولت اسرائیل محدود کردن بریتانیا و استفاده از اهرم اسرائیل در خاورمیانه بود، روسیه پوتین نیز از اسرائیل برای اهداف خاورمیانه‌ای خود استفاده می‌کند. یکی از این اهداف مهار بلندپروازی‌های منطقه‌ای ایران با باز گذاشتن دست اسرائیل به حمله به مواضع تهران در سوریه است.



میثم عرب سرخی
کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام
مدرس و پژوهشگر

سفر نتانیاہو و آینده راهبردی عمان

بنیامین نتانیاہو نخست‌وزیر اسرائیل پنجشنبه سوم آبان ماه در سفری مخفیانه وارد عمان شد و ۲۴ ساعت در این سلطنت نشین اقامت داشت. روز جمعه اخبار مربوط به این سفر به سرعت در رسانه‌ها منتشر شد. این خبر بسیار مهم و حتی می‌توان گفت عجیب بود. چراکه سفر نخست‌وزیر اسرائیل به یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس کم‌سابقه بود. پیش از این در سال ۱۹۹۴ اسحاق رابین و در سال ۱۹۹۶ شیمون پرز نخست‌وزیران وقت اسرائیل به عمان سفر داشتند و با سلطان قابوس دیدار کردند. آن‌گونه که دفتر نخست‌وزیر اسرائیل گفته، یوسی کوهن رئیس موساد، مئیر شابات مشاور امنیت ملی رژیم صهیونیستی و یوفال روتیم مدیرکل وزارت امور خارجه اسرائیل در این سفر نتانیاہو را همراهی کرده‌اند. اما نکته مهم به اهداف این سفر برمی‌گردد. در واقع نوع کنشگری عمان در منطقه با دیدار نتانیاہو سؤالاتی ایجاد کرده که در ادامه بررسی خواهد شد.



اهمیت تفاوت‌های فردی سلطان قابوس با همتایانش در شورای همکاری خلیج فارس است. اگرچه وی به‌عنوان تعیین‌کننده اصلی سیاست خارجی دارای نقشی برجسته است، اما کابینه و مجلس این کشور هم در تعدیل سیاست خارجی نقش آفرینند. به‌جز اندیشه‌های شخصی مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در سیاست خارجی عمان را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

- **ظرفیت‌های ژئوپلیتیک؛ عمان با** در اختیار داشتن سواحل جنوبی تنگه راهبردی هرمز و مجاورت دریایی با ایران در این تنگه، به اهمیت نقش خود در بحران‌های احتمالی که می‌تواند این کشور چهارمیلیونی را درگیر سازد، به‌خوبی واقف است. ضمن اینکه عمان بعد از یمن، سومین کشور وسیع شبه‌جزیره عربستان محسوب می‌شود.

- **چالش‌های تاریخی؛ شورش‌های دهه ۱۹۷۰** استان ظفار که از پیامدهای جنگ

سیاست خارجی فعال و مبتنی بر بی‌طرفی مثبت عمان در واقع از اواسط دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت. به لحاظ تاریخی، عمان از ۱۹۳۲ که مقارن با سلطنت سلطان سعید بن تیمور بوده، تا روی کار آمدن قابوس در ۱۹۷۰ به دلیل دیدگاه‌های متحجرانه پدرش دورانی از رکود را در همه زمینه‌ها، از جمله سیاست خارجی گذراند. سلطان قابوس که در سال ۱۹۷۰ و پس از سرنگون ساختن پدرش از طریق یک کودتا و حمایت بریتانیا به قدرت رسید، کمک کرد تا عمان را که در رده فقیرترین کشورهای جهان بود، یکی از باثبات‌ترین و کارآمدترین دولت‌های غرب آسیا شود. پس از ایجاد آرامش در کشور، قابوس اقدام به نوسازی کشور، تأسیس مجلس و بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی و همچنین بازتعریف در سیاست خارجی کرد. تصمیم‌سازی‌های سیاست خارجی در پادشاهی عمان مانند سایر کشورهای پادشاهی منطقه معمولاً در وهله نخست معطوف به شخص پادشاه و نزدیکان وی است. همین موضوع نشان‌دهنده

به‌نوعی ظرفیت ایران را در منطقه افزایش دهد.

- **کمبود منابع انرژی؛** عمان علی‌رغم قرار گرفتن در میان کشورهای نفت‌خیز شورای همکاری، دارای ثروت کمتری نسبت به کشورهای دیگر عضو شورای همکاری خلیج فارس بوده و پیش‌بینی می‌شود که منابع انرژی عمان زودتر از کشورهای دیگر به پایان برسد. همین موضوع موجب شده تا در روابط خود با همسایگان و به‌خصوص ایران، میانه‌روی و آینده‌نگری را رعایت کند.

به‌صورت کلی می‌توان چند مؤلفه را به‌عنوان اصول اصلی سیاست خارجی عمان برشمرد:

- ✓ رعایت بی‌طرفی و عدم ورود به بحران‌های بین‌المللی
- ✓ پرهیز از ورود به دسته‌بندی‌ها و بلوک‌بندی‌های سیاسی
- ✓ رعایت موازنه در روابط بین‌المللی
- ✓ فقدان ایدئولوژی

در واقع عمان در این چارچوب در پنج دهه اخیر توانسته است که خود را به‌عنوان بازیگری میانجی و بی‌طرف در منطقه مطرح کند. شاید یکی از دلایل اتخاذ سیاست بی‌طرفی نیز به وضعیت اقتصادی عمان برگردد. اقتصاد کشور عمان باب مدهای کشور از محل فروش این فراورده تأمین می‌شود. عمان بیست

سرد بود و با تحریک و حمایت‌های جمهوری دمکراتیک خلق یمن جنوبی و شوروی سابق روی داد، در نهایت با مداخله شاه ایران مهار شد که تجربه‌ای بود تا به‌واقع گرایسی سیاسی قابوس بیفزاید. شاید از آن‌پس بود که وی برای همیشه اهمیت همسایه بزرگ و تاریخی خود را دریافت تا بعدها در دهه ۱۹۸۰ که بحران سراسر خلیج فارس را فراگرفته بود، سلطان قابوس اهمیت ایران را فراموش نکرد و بر راهبردهای ثابت روابط با همسایگان پافشاری نشان داد. در بعد بین‌المللی، اگرچه قابوس روابط ویژه‌ای با انگلیسی‌ها داشته، اما به‌موازات آن یک متحد نزدیک آمریکا نیز محسوب می‌شود.

عمان در پنج دهه اخیر توانسته است که خود را به‌عنوان بازیگری میانجی و بی‌طرف در منطقه مطرح کند. شاید یکی از دلایل اتخاذ سیاست بی‌طرفی نیز به وضعیت اقتصادی عمان برگردد.

- **واقع‌گرایی در سیاست خارجی؛** از نظر عمان درگیری نظامی بین آمریکا و ایران خطر ژئوپولتیکی و اقتصادی بزرگی دارد و برای کاهش این خطر، دولت عمان به‌عنوان پلی بین ایران و غرب عمل کرده است. به همین دلیل است که پادشاهی عمان برخلاف عربستان و برخی کشورهای شورای همکاری، که مایل‌اند ایران جایگاه خود را در منطقه از دست دهد، مایل نیست که جمهوری اسلامی ایران مورد حمله نظامی قرار گیرد و تلاش می‌کند از راه هم‌افزایی،



عمان ناآرامی و اعتراضات مردمی را از سر گذرانند که از بیش از ۴۰ سال گذشته یعنی از زمان بحران ظفار به این سو سابقه نداشت. دامنه این اعتراضات صلح‌آمیز سلطان را هدف قرار نداده بود به سال ۲۰۱۲ و مطالبه اصلاحات اقتصادی کشیده شد و پرده از سرخوردگی و ناراضی‌های پنهان جامعه برداشت. در واقع عمان با توجه به برخی تنگناهای اقتصادی مجبور به اتخاذ سیاست بی‌طرفی شده است که در پنج دهه گذشته این سیاست توانسته موفق عمل کند.

این در حالی که عمان با برخی مسائل داخلی مواجه است و در پنج دهه گذشته سیاست بی‌طرفی را اتخاذ کرده است میزبان تانیا هو شد. این مسأله در راستای اهداف متنوعی می‌تواند باشد:

و دومین کشور جهان از نظر ذخایر نفتی و هفتمین کشور در غرب آسیا است. از سوی دیگر عواملی همچون حجم نه‌چندان بالای منابع نفت (طبق برخی برآوردها حدود ۵/۵ میلیارد بشکه)، مرغوبیت ناکافی و چسبناک بودن نفت (عدم سیالیت کافی)، عمق زیاد مخازن تا ۷۰۰۰ متر و هزینه بالای استخراج و سیاست‌های پیش‌بینی نشده صادرکنندگان عمده نفت مثل عربستان که ذاتاً طرفدار افزایش تولید هستند، تولیدکننده کوچکی مثل عمان را ناچار از تجدیدنظر در اتکا به درآمدهای نفتی می‌کند.

البته عمان برنامه‌هایی برای سال ۲۰۲۰ در زمینه کاهش اتکا به درآمدهای نفتی دارد اما این برنامه هنوز به نقطه روشنی نرسیده است. علاوه بر این عمان در زمینه داخلی نیز برخلاف تصور با برخی چالش‌های اجتماعی نیز مواجه است. در اوایل سال ۲۰۱۱ کشور

۱- تسریع در روند عادی سازی روابط با جهان عرب

از زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا معامله قرن با جدیت دنبال می‌شود. این طرح در راستای حل و فصل پرونده فلسطین در راستای اهداف اسرائیل است. گفته می‌شود که معامله قرن مقدمه‌ای بر روند عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی است. در همین راستا یکی از مهم‌ترین دلایل سفر نتانیاهاو به عمان می‌تواند تلاش تل‌آویو برای آغاز موج جدید از فرایند عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی باشد. عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی در چند مرحله صورت گرفته و در حال جریان است.

این سناریو از آنجا بسیار قوی است که وزیر خارجه عمان به‌صراحت از به رسمیت شناختن اسرائیل دفاع کرده است. وزیر امور خارجه عمان بایمان اینکه اسرائیل کشوری موجود در منطقه است مدعی شد تا منازعه فلسطین- اسرائیل حل نشود، مشکل فعالیت نظامی اسرائیل در دیگر نقاط حل نخواهد شد.

سفر نخست‌وزیر اسرائیل به عمان یک سفر تاریخی بوده و می‌تواند به‌عنوان نقطه آغاز موج جدید باشد. این سناریو از آنجا بسیار قوی است که وزیر خارجه عمان به‌صراحت از به رسمیت شناختن اسرائیل دفاع کرده است. وزیر امور خارجه عمان بایمان اینکه اسرائیل کشوری موجود در منطقه است مدعی شد تا منازعه فلسطین- اسرائیل حل نشود، مشکل فعالیت نظامی اسرائیل در دیگر نقاط حل نخواهد شد. بن‌علوی در پاسخ به سؤالی درباره اینکه آیا سفر نتانیاهاو به عمان در حقیقت، به رسمیت شناختن اسرائیل بود گفت: «این موضوع تاریخش گذشته است. دیگر ارزشی ندارد. بعد از آنکه توافقنامه‌های صلح با اسرائیل امضا شده است. ما از گذشته صحبت نمی‌کنیم بلکه نگاهمان به آینده است. اسرائیل یکی از کشورهای منطقه است و زمان تعامل با آن فرارسیده است. این آینده است.» این سفر در حالی صورت گرفته که هم‌زمان وزیر ورزش رژیم صهیونیستی به همراه تیم چودو این رژیم به ابوظبی سفر کرده و هیأت ورزشی اسرائیل نیز در قطر به سر می‌برد. نفتالی بنت وزیر آموزش رژیم صهیونیستی در این ارتباط اعلام کرد، سفر نتانیاهاو به عمان، نقطه آغاز مهم سیاسی به شمار می‌رود. وی افزود سفر نتانیاهاو به عمان جزئی از استراتژی منطقه‌ای اسرائیل قلمداد می‌شود. در واقع به نظر می‌رسد موج

در مرحله اول روابط امنیتی و سیاسی پنهان بین دو طرف گسترده شد، پس از این مرحله در فضای نخبگانی کشورهای عربی سعی شد تا عادی‌سازی روابط به‌عنوان گزینه حتمی مطرح شود و در نهایت در مرحله سوم ارتباط مقامات دو طرف به تدریج باعث حساست زدایی اجتماعی خواهد شد که نتیجه نهایی این سه مرحله عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی خواهد بود. بنابراین

جدیدی از تلاش‌های اسرائیل برای عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی شروع شده است. برخی خبرها از احتمال سفر مشابهی از سوی نتانیاھو به بحرین نیز حکایت دارد.

۲- تلاش برای خروج عمان از موضع بی‌طرفی

یکی دیگر از احتمالاتی که مطرح شده آن است که نتانیاھو و ترامپ به دنبال این هستند که عمان را از موضع بی‌طرفی خارج کنند. در واقع عمان در شرایط کنونی منطقه، ارتباط مناسبی هم با گروه‌های مقاومت و هم با محور ضد مقاومت دارد. به نوعی عمان سعی کرده با اتخاذ مواضع بینابین و معتدل نقش میانجی بی‌طرف را بازی کند. از نگاه اسرائیل این مسأله در راستای منافع ایران است و نباید ادامه داشته باشد. بنابراین احتمالاً فشارهایی از سمت غرب بر عمان وارد شده تا از حالت بی‌طرفی خارج شود.

۳- ایجاد کانالی برای ارتباط با ایران

اسرائیل در میان کشورهای عربی تنها با مصر و اردن روابط دیپلماتیک دارد، این در حالی است که بنیامین نتانیاھو بارها به واقعیت‌های جدید منطقه‌ای و در رأس آن به نفوذ و سیاست‌های توسعه‌طلبانه ایران اشاره و تأکید کرده تا از این طریق توجه کشورهای عربی را

بیش از گذشته به ایجاد نوعی همسویی و همگرایی در منافع مشترک جلب کند. از این‌رو برخی تحلیلگران سفر کم‌سابقه بنیامین نتانیاھو به عمان را در راستای پیشبرد همین سیاست تعریف و تصریح کرده‌اند که اسرائیل برای اجماع منطقه‌ای علیه ایران به حمایت دیگر کشورهای عربی به خصوص آن‌هایی که روابطی عادی و خوب با تهران دارند نیز نیاز مبرم دارد.



برخی از رسانه‌های عبری و انگلیسی نیز خط خبری دیگری در پیش گرفته‌اند. از این زاویه نتانیاھو به دنبال باز کردن کانالی جدید باری مذاکره با ایران بوده است. روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز نوشت در این ارتباط نوشت: «روز جمعه نخست‌وزیر اسرائیل، از سفر خود به عمان بازگشت، کشوری که در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس نفوذ دیپلماتیک بالایی داشته و معمولاً به‌عنوان میانجی در مسائل مختلف ورود می‌کند. برای



دارد که اسرائیل به دنبال آن باشد که پس از آنکه از طریق روسیه پیام‌هایی برای تهران در مورد کاهش فعالیت در جنوب سوریه فرستاد و به نتیجه نرسید این بار به دنبال انتخاب کانال دیگری برای ارسال پیام خود به ایران هم در مورد سوریه و هم در مورد حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی باشد.

۴- مذاکرات صلح

سفر نتانیاھو به عمان یک هفته پس از ملاقات محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین با سلطان قابوس در مسقط صورت گرفت. برخی تحلیلگران احتمال در پیش بودن مذاکرات مهمی در راستای تحقق فرایند صلح میان اسرائیل و فلسطینی‌ها را مطرح می‌کنند. این مسأله می‌تواند دو استدلال را به همراه داشته باشد: یکی به بن‌بست خوردن روابط تشکیلات خودگردان با واشنگتن پس از انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس که رهبران فلسطینی را به شدت خشمگین و نسبت به آمریکا به‌عنوان میانجی بی‌طرف ناامید کرد؛ و دیگری نقش و جایگاه موردقبول عمان در میان کشورهای منطقه و جامعه بین‌الملل.

نتانیاھو بهبود روابط با عمان می‌تواند به معنی کانال‌های ارتباطی غیررسمی با برخی دشمنان اسرائیل در منطقه باشد. عمان به‌گونه‌ای روابط خود را مدیریت کرده که قادر به تثبیت ارتباطات دوستانه میان رقبای منطقه‌ای از جمله عربستان و ایران باشد. این کشور میزبان مذاکرات سری میان ایران و آمریکا در سال ۲۰۱۳ بود که مسیر مذاکرات برسر بگرام را هموار کرد. در اسرائیل گمان‌هایی مطرح شد در این باره که اکنون عمان می‌تواند به‌عنوان کانالی ارتباطی میان ایران و اسرائیل باشد.»

یهود یعاری، تحلیلگر تلویزیون اسرائیل نیز معتقد است کشورها در صورتی که پیامی برای رساندن به ایران داشته باشند به عمان می‌روند. تایمز اسرائیل نیز در تحلیلی اعلام کرد، با وجود آنکه نفوذ عمان بر اسرائیل و فلسطینی‌ها محدود است اما جایگاه منطقه‌ای منحصربه‌فرد آن می‌تواند این کشور را قادر سازد تا نقش بزرگ‌تری را در میانجی‌گری بین اسرائیل و دشمن سرسخت آن، ایران ایفا کند. طبق این گزارش، اسرائیل بارها نگرانی خود نسبت به فعالیت‌های نظامی ایران در سوریه و حمایت از گروه‌های شیعی در این کشور را ابراز کرده و هشدار داده است که اجازه تثبیت نظامی ایران در سوریه را نخواهد داد. بنابراین احتمال

۵- تلاش نتانیاهو برای ارتقای جایگاه داخلی حزب لیکود

نتانیاهو و حزب لیکود در ماه‌های اخیر به شدت در حوزه‌های مختلف تحت فشار هستند. مسأله فساد مالی و بازجویی از خانواده نتانیاهو باعث شده است تا احزاب رقیب از این مسأله برای انتخابات سال ۲۰۱۹ استفاده کنند. در واقع حزب لیکود هرچند در بیشتر نظرسنجی‌ها همچنان بیشترین آرا را دارد اما چالش‌هایی نیز پیش رو دارد. بنابراین نتانیاهو با سفر به عمان سعی کرده تا حزب لیکود را یک حزب کارآمد و با راهبرد مناسب منطقه‌ای مطرح کند. از این زاویه این سفر می‌تواند به پیروزی مجدد حزب لیکود در انتخابات آتی کمک کند.

به نظر می‌رسد که سفر نتانیاهو به عمان در درجه نخست در راستای موج جدید تلاش‌ها برای عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی صورت گرفت. در صورت تأیید این فرض، باید منتظر تکرار این گونه سفرها به کشورهای عربی بود. علاوه بر این نتانیاهو سعی دارد تا به نوعی در مورد برخی مسائل منطقه‌ای با ایران به یک تفاهم مشترک برسد. به همین دلیل عمان به عنوان میانجی سنتی در پنج دهه گذشته و یکی از مطمئن‌ترین کانال‌های ارتباطی انتخاب شده است. علاوه بر این عمان در حال از دست

دادن جایگاه بی‌طرفی خود است. قانون اساسی عمان به این کشور سلطنتی اجازه پیوستن به پیمان‌های نظامی مشترک یا هرگونه بلوکی که دارای گرایش خاص است را نمی‌دهد که گویای آن است که چرا عمان در امور دیگر کشورها مداخله نمی‌کند. علاوه بر این در زمان امضای پیمان کمپ دیوید بین مصر و اسرائیل همه کشورهای عربی اقدام به قطع روابط دیپلماتیک با مصر کردند اما عمان این رویکرد را دنبال نکرد.

سفر نتانیاهو به عمان در درجه نخست در راستای موج جدید تلاش‌ها برای عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی صورت گرفت. علاوه بر این نتانیاهو سعی دارد تا به نوعی در مورد برخی مسائل منطقه‌ای با ایران به یک تفاهم مشترک برسد.

عمان همچنین از تصمیم شورای همکاری خلیج فارس در پشتیبانی از عراق علیه ایران در خلال جنگ این دو کشور در دهه ۱۹۸۰ سرباز زد. این کشور سفیر خود را از قطر به دنبال اتخاذ چنین رویکردی توسط عربستان، امارات متحده عربی و بحرین در ماه مارس ۲۰۱۴ فرانخواند و به ائتلاف نظامی به رهبری عربستان سعودی علیه انصار الله در یمن نپیوست. اما اقدام اخیر عمان می‌تواند به معنای پایان این نوع نگاه باشد که پیامدهای متنوعی برای مسقط می‌تواند به همراه داشته باشد.



علیرضا عرب
کارشناس مسائل منطقه

بازدارندگی مقاومت غزه و شکاف در کابینه

در بررسی بازدارندگی مقاومت در غزه و ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی آن به عنوان یک واقعیت مسلم، در وهله اول، تأکید بیشتر باید بر بعد فرهنگی آن متمرکز شود.

مقاومت یک فرهنگ است. این فرهنگ هر روز بیشتر از روز قبل در غزه بسط و تعمیق پیدا می‌کند. البته مقاومت ابعاد دیگر اقتصادی، نظامی، امنیتی و... هم دارد اما تمامی این ابعاد به بعد فرهنگی فراگیر آن مرتبط است. این فرهنگ در غزه رسوخ کرده و تولید و باز تولید می‌شود؛ لذا غزه چه تحت محاصره باشد و چه نباشد، مقاومت جاری و ساری خواهد بود و با دامنه و شدت متغیر به رشد تکاملی خود ادامه خواهد داد.

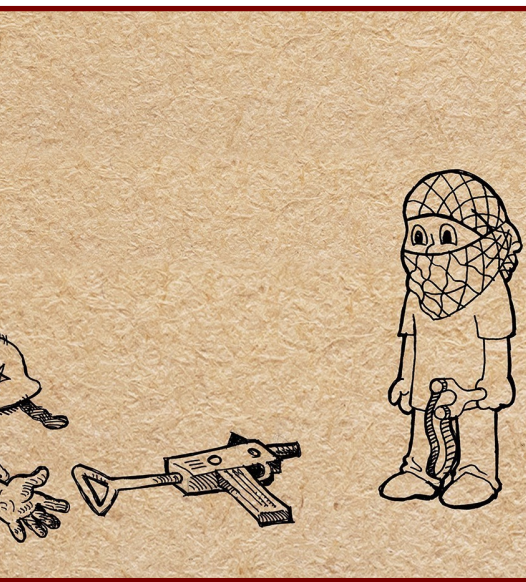
موشکی مقاومت در غزه، امنیت و رفاه صهیونیست‌ها، به‌ویژه شهرک نشین‌های مجاور غزه در جنوب سرزمین‌های اشغالی، به‌شدت دچار مخاطره شده است، و به نوعی توازن قوا به نفع فلسطینی‌ها و به ضرر صهیونیست‌ها تغییر کرده است.



این میراث نوبه‌نو شونده مقاومت است. متعاقب عملیات نفوذ ارتش رژیم صهیونیستی به داخل غزه مورخ یکشنبه ۲۰ آبان (۱۱ نوامبر) که با اهداف چندگانه اعم از ربایش سران برجسته سیاسی مقاومت، ترور فرمانده ارشد گردان‌های عزالدین قسام «نورالدین برکه»، آزادی سربازان اسیر اسرائیلی در دست حماس و... ناموفق ماند، مقاومت غزه مناطق اشغالی اطراف غزه را باقریب به ۴۰۰ موشک هدف قرار داد.

الف) بررسی مقاومت غزه و ابعاد آن

قدرت بازدارندگی حماس در غزه نیز از همین سر منشأ پایدار نشأت گرفته است. تحولات اخیر غزه که از نفوذ و حمله کوماندوهای ویژه اسرائیلی به جنوب غزه آغاز و به موشک باران جنوب و مرکز اسرائیل توسط مقاومت منجر شد؛ و نهایتاً دولت راست‌گرای نتانیاهو طی ۴۸ ساعت از آغاز درگیری‌ها، مجبور به پذیرش آتش بس کرد. اگر در سال ۱۹۶۷ میلادی تمامی اعراب طی ۶ روز شکست خوردند، حال در پرتو رشد و نمو فرهنگ مقاومت، ورق برگشته است. در سال ۲۰۰۶ میلادی اسرائیل حتی نتوانست از عهده سرکوب یک گروه اسلامی یعنی حزب الله لبنان برآید و نهایتاً طی ۳۳ روز شکست در کسب اهداف از پیش اعلام شده را پذیرفته و تن به آتش بس داد. حال در سال ۲۰۱۸ میلادی این شکست در کسب اهداف در طول ۴۸ ساعت و به صورت دقیق‌تر در عرض ۲۴ ساعت اتفاق می‌افتد. یعنی توان بازدارندگی مقاومت در غزه تحت تحریم و محاصره افزایش یافته و متقابلاً اسرائیل و هیأت حاکمه آن نیز شکننده‌تر شده‌اند. با ارتقاء توانمندی‌های نظامی و



حماس شامگاه یکشنبه ۲۰ آبان اعلام کرد که نظامیان صهیونیست در پوشش شهروندان عادی توانستند وارد غزه شده و «نورالدین برکه» فرمانده قسام در منطقه خان یونس را ترور کنند. آنها پس از لو رفتن و شکست عملیات سعی در فرار از غزه را داشتند که با هوشیاری نیروهای گردان‌های قسام در کمین آنها گرفتار شدند. در این درگیری یک افسر ارشد صهیونیست که فرمانده عملیات هم بود به هلاکت رسید و یک نفر دیگر زخمی شد.

گروه‌های مقاومت در غزه، به صورت متحد و یکپارچه، توانایی‌های بازدارنده خود را در عرصه رصد دقیق و مستمر دشمن، شناسایی و ایجاد کمین در مقابل نیروهای نفوذی، دفاع همه جانبه و درگیری رو در رو، هجوم همه جانبه موشکی در هوا و حمله از طریق تونل‌های مخفی در زیرزمین به خوبی و با مهارت بسیار به نمایش گذاشتند.

تمامی آنها نیز می‌رفت. متعاقباً حماس نیز شروع به موشک باران پر حجم شهرک‌های اطراف غزه در جنوب سرزمین‌های اشغالی کرد. به نحوی که طی ۲۴ ساعت (دوشنبه تا سه شنبه) ۴۶۰ راکت توسط نیروهای مقاومت شلیک شد، که منجر به کشته شدن یک نفر و زخمی شدن ده‌ها نفر شد. لازم به ذکر است که سامانه دفاعی ضد موشک کوتاه برد اسرائیل موسوم به «گنبد آهنین» تنها موفق به خنثی سازی ۱۰۰ موشک شد. سامانه دفاعی پیشرفته گنبد آهنین که میلیاردها دلار هزینه ساخت و ارتقاء آن شده است، توانایی مقابله با فناوری موشکی رو به رشد و تکامل یافته گروه‌های مقاومت را ندارد.

گرچه نوار غزه در محاصره همه جانبه و تحریم‌های گسترده است، اما ایمان، اراده، جهد و خلاقیت مجاهدین بر محدودیت‌ها فایز

در مقابل صهیونیست‌ها برای نجات نظامیان خود مجبور به بمباران غزه شدند که در جریان این بمباران سنگین اسرائیلی‌ها، ۷ فلسطینی به شهادت رسیدند. اسرائیلی‌ها حتی برای نجات کماندوهای ویژه خود از جنگنده‌های عمود پرواز نیز استفاده کردند. بنابراین اگر میزان گسترده بمباران‌ها و استفاده از جنگنده‌های عمود پرواز نبود، تلفات کماندوهای مزبور به مراتب بیشتر شده و حتی احتمال دستگیری و یا کشته شدن



شد. ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اسرائیل در مقابل تهدیدات مستمر و متنوع مقاومت بسیار آسیب پذیر است. حملات موشکی گروه‌های مقاومت طی ۲۴ ساعت، از دوشنبه ۲۱ آبان (۱۲ نوامبر) تا سه شنبه ۲۲ آبان (۱۳ نوامبر)، بعد از مدت‌ها سبب به صدا درآمدن مستمر آژیر خطر در مناطق جنوبی اسرائیل شد. شهرک نشین‌های مناطق جنوبی اسرائیل مجاور با نوار غزه تا حدود زیادی امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود را از دست رفته می‌بینند.

ب) شکاف در کابینه راست‌گرای اسرائیل

به هر روی پاسخ مقاومت در غزه به تجاوز صهیونیست‌ها به خان‌یونس آن‌چنان کوبنده بود، که نتانیاهو سفر خود به فرانسه را ناتمام گذاشته و به سرعت به تل‌آویو بازگشت. کابینه امنیتی اسرائیل به ریاست نتانیاهو تشکیل جلسه فوق‌العاده و اضطراری داد و طی ۷ ساعت سرانجام آتش بس با حماس را به میانجی‌گری مصر البته «بدون رأی‌گیری» پذیرفت.

سطح بازدارندگی مقاومت و سطح پاسخ مقاومت به تجاوز اسرائیل به حدی ارتقاء یافته بود که

آمده است و به‌ویژه توانمندی‌های نظامی و امنیتی آنها طی سال‌های اخیر افزایش قابل ملاحظه پیدا کرده است. لذا گروه‌های مقاومت در غزه، به‌صورت متحد و یکپارچه، اعم از حماس، جهاد اسلامی و... توانایی‌های بازدارنده خود را در عرصه رصد دقیق و مستمر دشمن، شناسایی و ایجاد کمین در مقابل نیروهای نفوذی، دفاع همه‌جانبه و درگیری رو در رو، تعقیب و گریز و گرفتن تلفات از دشمن و نهایتاً هجوم همه‌جانبه موشکی در هوا و حمله از طریق تونل‌های مخفی در زیرزمین به خوبی و با مهارت بسیار به نمایش گذاشتند. این توان رو به رشد و نو به نو شده نرم‌افزاری و سخت‌افزاری گروه‌های مقاومت غزه در عرصه‌های فرهنگی، نظامی، امنیتی و سیاسی نه تنها سبب بازدارندگی مشخص اسرائیل شده بلکه سبب رشد و اشاعه گفتمان و راهبرد مقاومت در منطقه خواهد

نشانه اعتراض روز چهارشنبه ۲۳ آبان (۱۴ نوامبر) از سمت خود استعفا داد و خواستار برگزاری انتخابات زودهنگام شد. لیبرمن بعد از جلسه با حزب «اسرائیل خانه ما» در جمع نمایندگان کنست حاضر شد و استعفا خود از دولت را اعلام کرد و خواهان برگزاری انتخابات پیش از موعد شد. لیبرمن پذیرش آتش بس توسط دولت جعلی رژیم صهیونیستی را مصداق خرید آرامش به بهایی سنگین بدون هیچ طرحی برای مهار حماس در آینده و تسلیم شدن به ارباب گروه‌های مقاومت در غزه دانست. او معتقد است که پاسخ رژیم صهیونیستی به پرتاب ۵۰۰ موشک به جنوب اسرائیل به شدت ناکافی بوده است.

لیبرمن به شدت از نتانیاهو انتقاد و عنوان کرد: در مورد خیلی از مسائل بسیار مهم از جمله این که دولت صهیونیستی روز جمعه ۱۸ آبان (۹ نوامبر) اجازه انتقال ۱۵ میلیون دلار پول نقد از دولت قطر به حماس را داده، با نتانیاهو «اختلاف نظر اساسی داشته است. 15 میلیون دلار در وهله اول به خانواده اعضای حماس که در زد و خورد با ارتش اسرائیل در مرز غزه کشته شدند پرداخت می‌شود، و سپس هزینه موشک‌هایی می‌شود که به

درنگ در پذیرش آتش بس سبب خسارات جبران ناپذیر سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی به اسرائیل می‌شد؛ لذا دولت راستگرای اسرائیل بین بد و بدتر ناچار به انتخاب گزینه بد شد. اما مهمتر اینکه کابینه امنیتی اسرائیل پس از ۷ ساعت جلسه اضطراری، آتش بس با حماس در نوار غزه را بدون رأی گیری پذیرفته و سپس شاهد بیانیه مشترک «آویگدور لیبرمن» وزیر جنگ و رئیس حزب «اسرائیل بیتنو» (اسرائیل خانه ما) و «نفتالی بنت» وزیر آموزش و رئیس حزب «خانه یهود» مبنی بر عدم موافقت آنها با آتش بس مذکور هستیم، همگی شاهد اختلاف و شکاف بزرگی میان کابینه و احزاب راستگرای اسرائیل در نحوه برخورد با گروه‌های مقاومت در نوار غزه هستیم.

با این آتش بس بعد از یک سال حماس از نظر نظامی به حزب الله دوم با تمام جزئیات تبدیل خواهد شد و از نظر او این آتش بس بسیار اشتباه و خطرناک بود و کابینه نتانیاهو به حماس مصونیت اعطاء کرده است. ی. ادامه داد: «بی‌معنی است که حماس حدود ۵۰۰ فروند راکت شلیک کند و آن وقت سران حماس از کابینه امنیتی اسرائیل مصونیت دریافت کنند.»

با پذیرش آتش بس توسط دولت راستگرای اسرائیل به ریاست بنیامین نتانیاهو وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، آویگدور لیبرمن به

اسرائیل شلیک خواهد شد.

لیبرمن به صراحت گفت: «من مخالفت بودم اما نتانیاہو با حکم حکومتی، من را دور زد.»

لازم به ذکر است که لیبرمن بعداً به وضوح عنوان کرد که با این آتش بس بعد از یک سال حماس از نظر نظامی به حزب الله دوم با تمام جزئیات تبدیل خواهد شد و از نظر او این آتش بس بسیار اشتباه و خطرناک بود و کابینه نتانیاہو به حماس مصونیت اعطاء کرده است. وی ادامه داد: «بی‌معنی است که حماس حدود ۵۰۰ فروند راکت شلیک کند و آن وقت سران حماس از کابینه امنیتی اسرائیل مصونیت دریافت کنند.»

در واقع به جز دو وزیر جنگ و آموزش دو وزیر دیگر کابینه راست‌گرای نتانیاہو از جمله «وزیر مهاجرت» رژیم صهیونیستی «صوفیا لاندویر» از حزب «اسرائیل بیتنو» به حمایت از رئیس حزبش و به نشانه اعتراض به تصمیم نتانیاہو در آتش بس با حماس از سمت‌های خود استعفا دادند. لازم به ذکر است هر دو حزب راست‌گرای «اسرائیل بیتنو» و «خانه یهود» در مواجهه با گروه‌های مقاومت در غزه و راهپیمایی‌های بازگشت

موافق اعمال خشونت بیشتر با فلسطینی‌ها هستند.

به نحوی که «نفتالی بنت» رئیس حزب «خانه یهود» و وزیر آموزش فعلی اسرائیل، همواره آویگدور لیبرمن، وزیر جنگ سابق و رئیس حزب اسرائیل بیتنو را به ملایمت با فلسطینی‌ها و مواجهه با آنان در راهپیمایی‌های بازگشت متهم می‌کرد و خواستار اعمال خشونت بیشتر با آنان بود. حال وقتی لیبرمن مخالف برقراری آتش بس با حماس است و به نشانه اعتراض از کابینه استعفا می‌دهد، منطقی‌تاً تنها انگیزه نفتالی بنت از عدم خروج از ائتلاف نتانیاہو را می‌توان کسب امتیاز وزارت جنگ و پر کردن جای خالی حزب اسرائیل بیتنو در کابینه دانست و گرنه او هم به شدت مخالف برقراری آتش بس با حماس است و بلافاصله بعد از برقراری آتش بس بیانیه‌ای مبتنی بر مخالفت خود و حزبش با آن منتشر کرد.

لازم به ذکر است نفتالی بنت وزیر فعلی آموزش تنها به شرط اعطای وزارت جنگ به او از طرف نتانیاہو حاضر به ماندن در ائتلاف نتانیاہو است و اعلام کرده که در صورت عدم موافقت نتانیاہو با وزارت جنگ



او، از کابینه خارج شده و به این ترتیب نتانیاهو باید اعلام انتخابات زود هنگام کنست را بکند.

لازم به ذکر است دامنه اعتراضات به تصمیم نتانیاهو در خصوص پذیرش آتش بس با حماس، تنها به اعضای کابینه رژیم صهیونیستی محدود نشده و شاهد اعتراضات صهیونیست‌ها در سطح جامعه صهیونیستی هم هستیم. تظاهرات اعتراض آمیز علیه آتش بس و نتانیاهو در تل‌آویو انجام شده و معترضین خواستار استعفای او شدند.

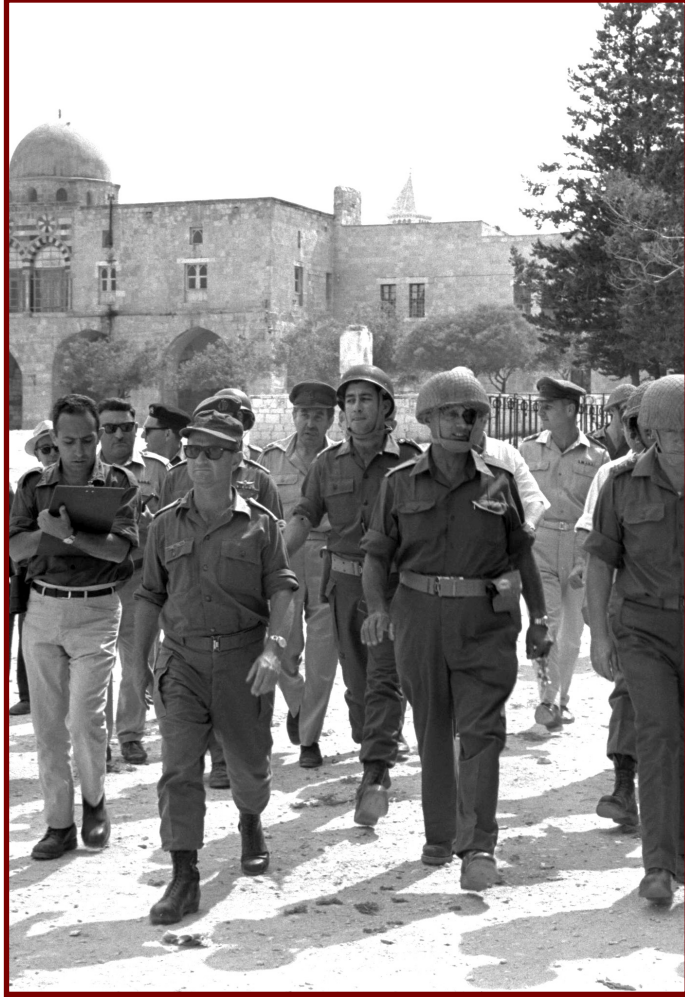
محمد امین عرب سرخی
کارشناسی مدیریت دولتی، پژوهشگر



«معامله قرن» از عبدالناصر تا محمد بن سلمان^۱

وقتی موشه دایان، وزیر دفاع وقت اسرائیل سرخوش از پیروزی، وارد شهر قدس اشغالی شد و با شکست نظامی سخت اعراب در ژوئن ۱۹۶۷ پرچم اسرائیل بر قبه الصخره افراشته شد، اسرائیل همچنان نیازمند «معامله قرن» بود. چیزی که در ۱۹۵۵ عبدالناصر آن را نپذیرفت و دیگران پذیرفتند، و در نهایت با تغییر شرایط و اوضاع و شرطها به محمد بن سلمان رسید. آن روز موشه دایان سرخوش از پیروزی ای که انتظار نداشت به چنین سرعت و آسانی ای به دست آید گفت: «بار دیگر شهر مقدس را یکپارچه ساختیم و به مقدس ترین اماکن خود بازگشتیم و هرگز از آن بیرون نخواهیم رفت.» و شکست سنگین اعراب را عامل تن دادنشان به خواسته های اسرائیل دانست. از ۱۹۴۸ که اسرائیل را در منطقه کاشتند، این کشور عادت کرد که سلاح را همچون ابزاری برای قرار دادن اعراب در برابر عمل انجام شده با کمک بریتانیا و امریکا قرار دهد و فشارهایش در اساس در راستای پذیرفته شدن در منطقه و برقراری «معامله صلح» با اعراب چه به صورت فراگیر و چه به صورت فردی بود.

۱. ترجمه شده از روزنامه الجزیره



پل صلح و ندای طبیعت

اصطلاح «معامله قرن» نخستین بار در سخنان دوایت آیزنهاور (۱۹۵۳-۱۹۶۱)، رئیس جمهوری امریکا آشکار شد، آن گاه که می خواست تمایل قاهره به ساخت سد العالی را مهار کند. اینجا بود که گفت: «اگر به کمک ما نیاز دارید، باید به صلح با اسرائیل و پایان دادن به همه عوامل تشنج‌زا و جنگ‌ها ایمان داشته باشید» و شرط‌های دیگری را نیز افزود که از نظر قاهره «مایه ذلت» دانسته شد. شماری از دستیاران عبدالناصر در خاطراتشان اشاره کرده‌اند که رهبر مصر می‌دانست که واشنگتن به مصر در اجرای این پروژه عظیم کمکی نخواهد

کرد؛ بلکه شاید شرط‌های دشواری را بر وی تحمیل خواهد کرد که انقلاب و اساس استقلال مصر را هدف قرار داده و چه بسا مصر را درگیر پروژه کند و بعد از آن پا پس کشد.

در دسامبر ۱۹۵۵ وقتی رابرت اندرسون، فرستاده آیزنهاور، از مصر بازدید کرد درخواست او این بود که عبدالناصر معامله صلح با اسرائیلیان را بپذیرد و شخصاً با دیوید بن گوریون، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی دیدار کند. عبدالناصر به دیدار با بن گوریون مخالفت کرد و گفت که مسأله فلسطین مسأله جهان عرب است و فقط به او مربوط نمی‌شود و خود شخصاً ممکن است قطع‌نامه تقسیم صادر شده از نشست مجمع سازمان ملل متحد در ۱۹۴۷ را بپذیرد، با این شرط که منطقه صحرائی نقب در مرزهای فلسطین شمرده شود تا تماس جغرافیایی میان دو سوی میهن عربی برقرار بماند.

به سبب دشواری متقاعد کردن اسرائیل به چنین طرحی، اندرسون پیشنهاد کرد که پلی در نزدیکی شهر ایلات در جنوب اسرائیل ساخته شود که مصر را به اردن وصل کند و بالای این پل تحت سلطه عربی و پایین آن سلطه اسرائیل دانسته شود. عبدالناصر به خنده جواب داد که اگر یک فرد عرب بالای این پل «ندای طبیعت» را اجابت کند» و بمیرد و پایین بیفتد کافی است تا جنگ درگیرد. و

قطع‌نامه ۲۴۲ شورای امنیت صادره در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ بیانی بود از «نکسه» و اختلال عظیم در تعادل نظامی و طی آن با به رسمیت شناخته شدن اسرائیل از سوی مصر و اردن در دیوار استوار ایستادگی در برابر اسرائیل روزنی ایجاد شد. در این قطع‌نامه در کنار تأکید بر عقب‌نشینی اسرائیل از زمین‌های اشغال‌شده عربی به صورت ضمنی بر پایان وضعیت جنگی و به رسمیت شناختن اسرائیل بدون ربط دادن این رسمیت دادن به حل مسأله فلسطین تأکید شد. به نحوی دور از انتظار، پیروزی بی سابقه جبهه‌های مصر و سوریه بر اسرائیل در روزهای نخست جنگ اکتبر ۱۹۷۳ به گشودن راه صلح و عادی‌سازی روابط با اسرائیل انجامید.

در قطع‌نامه ۱۹۶۷ در کنار تأکید بر عقب‌نشینی اسرائیل از زمین‌های اشغال‌شده عربی به صورت ضمنی بر پایان وضعیت جنگی و به رسمیت شناختن اسرائیل بدون ربط دادن این رسمیت دادن به حل مسأله فلسطین تأکید شد. به نحوی دور از انتظار، پیروزی بی سابقه جبهه‌های مصر و سوریه بر اسرائیل در روزهای نخست جنگ اکتبر ۱۹۷۳ به گشودن راه صلح و عادی‌سازی روابط با اسرائیل انجامید.

چون پس از این جنگ، اسرائیل دست به معامله‌ای بزرگ با انور السادات، رئیس‌جمهور وقت مصر زد، که در نوامبر ۱۹۷۷ عازم بیت المقدس شد و در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ در کمپ‌دیوید آمریکا معاهده صلحی با مناخیم بگین نخست‌وزیر وقت اسرائیل امضا کرد که بعدتر در ۲۶ مارس ۱۹۷۹ به صورت رسمی در واشنگتن امضا شد.

این‌گونه صحبت درباره معامله قرن و تأمین مالی سد‌عالی پایان یافت و بعد از آن کانال سوئز ملی اعلام شد و همه آن اتفاقاتی رخ داد که می‌دانیم.

روز نکسه^۱ و پس از آن

نکسه و پیامدهای جنگ ژوئن ۱۹۶۷ تحولی اساسی در روند نزاع عربی- صهیونیستی در پی داشت. در پی آن بود که اسرائیل بر کرانه باختری و قدس شرقی و نوار غزه و شبه جزیره سینا و بلندی‌های جولان دست یافت و هدف از آن تحمیل واقعیت تازه‌ای بر اعراب، چه افراد عرب و چه گروه‌های عرب، بود بر این مینا که دیگر، طبق روایت اسرائیلی، شکست نظامی اسرائیل ممکن نیست و باید رو به صلح رفت. نکسه پیامدهای مهمی در عرصه نظامی و سیاسی و روانی داشت و تأثیری شدید بر خودآگاه عربی نهاد. با اینکه پیامد مستقیم این نکسه در عرصه رسمی «نه‌های سه‌گانه» (نه به صلح با اسرائیل، نه به رسمیت شناختن اسرائیل، نه به مذاکره با اسرائیل) در نشست خارطوم در آگوست ۱۹۶۷ بود، اما روابط و نشست‌های محرمانه اینجا و آنجا آغاز شد و نشانه‌های تغییر در مفهوم نزاع و رفتن به سمت «معامله صلح» پدیدار شد.

۱. روز نکسه یا روز شکست (۵ ژوئن ۱۹۶۷) سالروز شکست کشورهای عربی از اسرائیل در جنگ شش‌روزه سال ۱۹۶۷ است که با آوارگی مردم فلسطین همراه شد. به عنوان یکی از نتایج جنگ، اسرائیل کنترل کرانه باختری و نوار غزه را که پیش از آن ضمیمه اردن شده و توسط مصر کنترل می‌شد، به دست گرفت.

موقت فلسطینی‌ها در غزه و کرانه باختری متقاعد کند.

این معاهده نتوانست بسیاری از موانع قانونی و تاریخی را از میان راه بردارد و باعث دو دستگی عمیق در میان فلسطینی‌ها و اعراب شد. در این معاهده وضعیت قدس اشغالی و حق بازگشت پناهنجویان فلسطینی بلا تکلیف گذاشته شد و کرانه باختری و غزه سرزمین‌های اسرائیلی‌ای دانسته شد، که فلسطینی‌ها حق دارند در آن خودمختار باشند. با این همه اسرائیل نتوانست اردن را هم به دایره صلح بکشاند و در ۲۶ اکتوبر ۱۹۹۴ با آن معاهده وادی عربیه را امضا کند. اما این پایان معامله‌گری‌های اسرائیل در قرن بیستم بود.

معامله قرن ۲۱

اسرائیل در بازاریابی برای تعریف خود از صلح کامیاب بود و توانست بر اساس همین تعریف معاهداتی با مصر و اردن و سازمان آزادی بخش فلسطین امضا کند و در ۱۹۹۹ روابط کامل دیپلماتیک با موریتانی در دوره حکومت معاویه ولد سیدی احمد الطایع برقرار کند که در سال ۲۰۰۹ در پی حمله به غزه قطع شد. با این همه تل‌آویو همچنان در پی یک معامله صلح همه جانبه با اعراب و برقراری روابط کامل و عادی با کشورهای عربی بود. چیزی که در طرح پیشنهادی صلح عربی که در ۲۰۰۲ از

سفر نامنتظره سادات به قدس اشغالی و امضای معاهده صلح بر پایه این برداشت سادات بود که نزاع با اسرائیل را موضوعی روانی می‌دانست و معتقد بود که در وضعیتی که ۹۹ درصد برگه‌های حل مشکل در دست ایالات متحده است، هیچ کاری از دست اعراب بر نمی‌آید. این هم‌زمان با آن بود که اسرائیل و ایالات متحده می‌کوشیدند که مصر را عزیزت گاه «صلح» در منطقه کنند و معامله را گسترش دهند.



اسرائیل با استفاده از شرایط بسیاری از جمله خروج مصر از دایره نزاع و چند دستگی اعراب و مذاکرات و تماس‌های محرمانه، با همکاری بیل کلینتون رئیس جمهور وقت ایالات متحده، نتوانست یاسر عرفات و سازمان آزادی‌بخش فلسطین (موسوم به ساف) را نیز در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ به امضای معاهده اسلو یا معاهده اصول لازم برای خودگردانی

برای پیگیری روند صلح است. منابع غربی می‌گویند که محمد بن سلمان اشتیاق بسیاری برای این معامله نشان می‌دهد و کوشیده که با پیشنهادهای کلان مالی و ارائه مشوق‌های مالی کلان محمود عباس، رئیس حکومت فلسطین و دیگر کشورهای عربی را بدان متقاعد کند.

در قطع‌نامه ۱۹۶۷ در کنار تأکید بر عقب‌نشینی اسرائیل از زمین‌های اشغال‌شده عربی به صورت ضمنی بر پایان وضعیت جنگی و به رسمیت شناختن اسرائیل بدون ربط دادن این رسمیت دادن به حل مسأله فلسطین تأکید شد. به نحوی دور از انتظار، پیروزی بی سابقه جبهه‌های مصر و سوریه بر اسرائیل در روزهای نخست جنگ اکتبر ۱۹۷۳ به گشودن راه صلح و عادی‌سازی روابط با اسرائیل انجامید.

معامله جدید قرن مبنی بر برقراری صلح میان فلسطینی‌ها و اسرائیل در مرحله اول و دیگر کشورهای عربی در مرحله دوم است تا پس از آن نوبت به پیمان ریاض و تل‌آویو برای رویارویی با تهدیدهای ایران می‌رسد. برپایی کشور فلسطین که غزه و مناطق الف و ب و بخش‌هایی از منطقه ج در مرزهای آن قرار می‌گیرند^۲ و کشورهای حمایت‌کننده ۱۰ میلیارد دلار برای تشکیل این کشور و زیرساخت‌های آن شامل یک بندر و فرودگاه در غزه و شهرک‌های صنعتی و شهرهای مدرن

۲. پس از امضای پیمان اسلو مناطق کرانه باختری و نوار غزه به سه منطقه (الف، ب و ج) و فرمانداری تقسیم گشت. منطقه الف اشاره به مناطق تحت نفوذ امنیتی و کنترل کشوری حکومت خودگردان و اسرائیل دارد. منطقه ب اشاره به مناطق تحت کنترل کشوری فلسطینی‌ها و کنترل امنیتی اسرائیل دارد. منطقه ج اشاره به مناطقی دارد که بطور کامل تحت کنترل اسرائیل قرار دارند مانند شهرک‌ها.

سوی ملک فهد بن عبدالعزیز اعلام شد بدان تصریح شده بود.

اسرائیل بر مسأله پذیرش کامل حقوق فلسطینی‌ها و به خصوص موضوع قدس و حقوق اعراب (جولان اشغالی) در ازای عادی سازی روابط مانور بسیار می‌دهد. آن دیوار همچنان مستحکم بود تا اینکه دونالد ترامپ به ریاست جمهوری ایالات متحده رسید. ترامپ بیشترین خواسته اسرائیل را برآورده کرد؛ اقدام آمریکا در انتقال سفارت خود از تل‌آویو به قدس اشغالی، درگیری‌های پراکنده بین رژیم اسرائیل و گروه‌های مقاومت در غزه، تظاهرات گسترده فلسطینی‌ها با هدف بازگشت آوارگان، و تصویب قانون دولت یهود در پارلمان رژیم صهیونیستی مهمترین تحولات پرونده فلسطین در یک سال اخیر است.

این تصمیمات اخیر اسرائیلی در زمان تبلیغات برای آنچه «معامله قرن» خوانده می‌شود انجام می‌گرفت. معامله‌ای که نتیجه توافق واشنگتن با چند کشور عربی و در رأس آنها عربستان سعودی است. کشوری که با بالارفتن طالع محمد بن سلمان به حامی مسیر جدید صلح تبدیل شده است. منابع غربی گزارش داده‌اند که «معامله قرن» ساخته و پرداخته داماد و مشاور ترامپ، جارد کوشنر و ولیعهد عربستان سعودی، محمد بن سلمان و جیسون گرینبلات، فرستاده آمریکا

حمایت آمریکا از دولت افراطی تانپاهو، همگرایی و همسویی کشورهای عربی با آمریکا و رژیم اسرائیل در پرونده فلسطین، واگرایی کشورهای اسلامی از یکدیگر و اختلافات موجود بین گروه‌های فلسطینی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر در تداوم روند موجود در پرونده فلسطین می‌باشند. روندهای موجود نشان می‌دهد پرونده فلسطین وارد مرحله پیچیده‌ای شده است و به نحوی که صهیونیست‌ها با حمایت آمریکا و همراهی کشورهای عربی به دنبال نابودی هویت فلسطین هستند تا از این طریق از شکل‌گیری یک دولت فلسطینی حداکثری (دارای حاکمیت در تمام فلسطین) یا حداقلی (دارای حاکمیت بر قدس شرقی، کرانه باختری و نوار غزه) در آینده جلوگیری کنند. در حال حاضر به نظر می‌رسد انتفاضه قدس، تظاهرات بازگشت و تحرکات گروه‌های مقاومت فلسطینی که با هدف حفظ عناصر اصلی دولت ملی فلسطین صورت می‌گیرد برای مقابله با اقدامات مخرب صهیونیست‌ها کافی نیست و لازم است اقدامات بازدارنده بیشتری سازماندهی شود.

کمک می‌کنند و موضوع قدس و بازگشت پناجویان به مذاکرات تازه‌ای موقوف می‌شود.



روزنام نیویورک تایمز در دسامبر ۲۰۱۷ خبر داد که ولیعهد عربستان سعودی پیشنهاد کرد که پایتخت این کشور فلسطینی فرضی روستای ابودیس باشد. (به جای قدس شرقی که در معاهده اسلو مطرح شده بود) این معامله اگر به مقام اجرا درآید، به رسمیت شناختن اسرائیل به عنوان کشوری یهودی و ادامه سلطه امنیتی آن در کشور فلسطینی خلع سلاح شده و از این مهم‌تر به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت اسرائیل را شامل می‌شود. این همه یعنی آنچه در دهه‌های گذشته به زور نیروی نظامی حاصل نیامد با این معامله حاصل می‌شود.

مقاومت اسلامی

مقاومت، به معنای دفاع، ایستادگی، تسلیم خواسته طرف مقابل نشدن و تلاش در جهت تحقق بخشی به اراده خویشتن، مفهوم وسیعی است که در همیشه تاریخ بشر و در همه عرصه ها و حتی در دو جبهه حق و باطل وجود داشته و دارد. مقاومت حق در برابر باطل و یا باطل در مقابل حق. اما آنجا که این مقاومت، بر اساس آموزه های اسلام شکل می گیرد، مقاومت اسلامی نام خواهد داشت. جمهوری اسلامی ایران از بدو شکل گیری تاکنون، اهداف خود را بر برپایی حکومت اسلامی در ایران منحصر نکرده، بلکه خود را به آزادی و بیداری سایر ملل مظلوم جهان و حمایت از حقوق آنان معطوف می داند.

در این بخش از ماهنامه که مختص به بررسی محور مقاومت می باشد، با بررسی آخرین وضعیت میدانی منطقه و با استفاده از تحلیل های اساتید متخصص در این زمینه، سعی در ارائه شناخت دقیق از اوضاع منطقه برای مخاطبان داریم.





صالح قاسمی

دبیر مرکز مطالعات راهبردی جمعیت (cfssp)
پژوهشگر و نویسنده مجموعه «جنگ جهانی جمعیت»

پیچ تاریخی جمعیت در فلسطین

بررسی تحولات جمعیت مسلمانان و یهودیان در فلسطین - قسمت اول

فهم مفاهیمی مثل غصب، رژیم اشغالگر، دولت صهیونیستی، ملت جعلی و... به درستی و بطور کامل میسر نخواهد بود، مگر اینکه مروری داشته باشیم به پیشینه تحولات جمعیتی در فلسطین اشغالی و سیر تاریخی شکل‌گیری هویت جعلی ملت، دولت و کشوری به نام اسرائیل. اگرچه در جمعیت پژوهی اصل بر این است که تغییرات جمعیتی خطی نیست و متغیرهای تأثیرگذار بر تحولات جمعیت پیوسته در حال تغییر هستند و این موضوع هرگونه آینده‌نگاری تحولات جمعیتی را به امری دشوار و نسبی مبدل می‌سازد، در عین حال اشراف علمی و البته نسبی بر نحوه تحولات جمعیت نیز می‌تواند منشأ اتخاذ بسیاری از سیاست‌ها و راهبردهای کلان و تعیین‌کننده هر جامعه‌ای باشد.

سرزمینی که امروزه صهیونیست‌ها آن را اسرائیل نامیده‌اند، سرزمین فلسطین است. فلسطین کشوری است که به صورت تاریخی و از دوران روم باستان^۱ به ناحیه‌ای که بین دریای مدیترانه و کرانه‌های رود اردن واقع شده‌است، گفته می‌شد. فلسطین قلب کشورهای عربی، گهواره ادیان توحیدی بزرگ تاریخ و ملت‌های تمدن‌ها است. سرزمینی پربرکت و زیبا که از لحاظ راهبردی و ایدئولوژیک یکی از مهمترین نقاط کره زمین است.

فلسطین سابقه تاریخی ده هزار ساله دارد، تا جایی که قدمت شهر اریحا^۲ در

۱. روم باستان از قرن هشتم قبل از میلاد در شبه جزیره ایتالیا شکل گرفت و در کنار دریای مدیترانه و به مرکزیت شهر رم چنان گسترش پیدا کرد که در قرن اول و دوم میلادی به یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های باستان با حدود ۲۰ درصد از جمعیت آن زمان جهان تبدیل گشت و حدود ۲۰۰ سال ادامه داشت.

۲. شهری عربی در ۳۷ کیلومتری شمال شرقی شهر بیت المقدس است. پس از سال ۱۹۴۸ اریحا مرکز استانی با همین نام در کرانه باختری گردید و در سال ۱۹۶۷ مورد تعرض و اشغال اسرائیل قرار گرفت.



در سال ۶۳۸ میلادی برابر با ۱۷هـ.ق. در زمان خلیفه دوم سپاهیان اسلام وارد بیت المقدس شدند. مسلمانان با مردم فلسطین پیمان صلح امضا کردند و آنان را در پذیرش دین آزاد گذاشتند. ساکنان فلسطین وقتی حقانیت دین اسلام را مشاهده کردند، اکثریت ایشان مسلمان شدند.^۴ بنابراین از قرن هفتم میلادی به بعد فلسطینی‌ها پیروان سه دین بزرگ الهی را تشکیل می‌دادند. اولین و بزرگترین جمعیت مذهبی فلسطین را مسلمانان تشکیل می‌دادند که حائز اکثریت مطلق جمعیت بودند، دومین گروه جمعیتی از آن مسیحیان بود و سومین جمعیت مذهبی را یهودیان در اختیار داشتند. بدین ترتیب از اواسط قرن هفتم میلادی اعراب مسلمان بر فلسطین استیلاء داشتند.^۵ ضمن اینکه آمارنگاری عربی و اسلامی بیت المقدس نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق ساکنین فلسطین و بیت المقدس

فلسطین به ۷ هزار سال می‌رسد. حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد حضرت مسیح صلی الله علیه و آله اقوام سامی^۳ از قلب جزیره العرب به سوی سواحل جنوبی دریای مدیترانه، مصر، عراق، سوریه، لبنان و فلسطین کوچ نمودند. ده سال پس از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله پروردگار یکتا در شب معراج، پیامبر خود را شبانه به مسجدالاقصی در فلسطین سیر داده و از آنجا به آسمان عروج داد. در سیزده سال اول بعثت که پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه زندگی می‌کردند، مسجدالاقصی در بیت المقدس قبله اول مسلمین بود و پس از مهاجرت پیامبر به مدینه و در سال دوم هجرت به فرمان خداوند، قبله مسلمین تغییر یافت. از آن پس مسجدالحرام در مکه بعنوان قبله و حرم اول و مسجدالاقصی در بیت المقدس در فلسطین به حرم دوم موحدان و مسلمانان عالم تبدیل گردید.

۴. گوستاویون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۱۵۵.
۵. گیتاشناسی کشورها، محمود مجبوب، ص ۲۲۳.

۳. سامی مشتق از لفظ سام است که بنا بر اساطیر، پسر نوح پیامبر و جد همه اقوام سامی بوده است.



روند مهاجرت یهودیان به فلسطین از ۱۸۸۰ تا ۱۹۴۸

دسته	دوره	تعداد	محل حرکت
اول	۱۸۸۰-۱۹۰۳	۲۵۰۰۰	روسیه، هلند و رومانی
دوم	۱۹۰۴-۱۹۱۴	۳۴۰۰۰	روسیه، شرق اروپا
سوم	۱۹۱۹-۱۹۲۳	۲۷۰۰۰	اطراف دریای بالتیک، روسیه و هلند
چهارم	۱۹۲۴-۱۹۳۱	۸۹۸۰۰	هلند، رومانی و غرب آسیا
پنجم	۱۹۳۲-۱۹۳۹	۲۴۷۷۰۰	آلمان، اروپای غربی و هلند
ششم	۱۹۴۰-۱۹۴۸	۱۱۸۳۰۰	مرکز اروپا، بالکان، هلند و غرب آسیا

در سال ۱۸۸۲ شمار چشمگیری از یهودیان جهان شروع به مهاجرت هدفمند به سرزمین فلسطین کردند. یهودیان مهاجر مزارع جمعی کوچکی را از ساکنان فلسطین خریداری نموده و با غصب مناطق بیشتر، مزارع جدیدی را به وجود آوردند که بعدها این مناطق زمینه ساز تشکیل یک شهر به نام تل آویو شد. جمعیت یهودیان فلسطین با این مهاجرت‌ها تا سال ۱۹۰۳ به ۵۷,۰۰۰ نفر رسید و این در حالی بود

در طول تاریخ عرب و مسلمان بوده‌اند و زبان و فرهنگ مشترکی داشته‌اند.^۶ شمار یهودیان ساکن در فلسطین که در حوالی سال ۱۷۰۰ میلادی حدود ۶۰۰۰ نفر بود. در سال ۱۸۷۶ سازمان صهیونیسم جهانی ادعای مالکیت سرزمین فلسطین را طرح کرد و خواهان تشکیل دولت یهود در فلسطین شدند. در همین دوره تاریخی بود که یهودیان مهاجر کم کم زمین‌های فئودال‌ها و زمین‌داران بزرگ را خریداری و اشغال کرده و کشاورزان فلسطینی را از این زمین‌ها اخراج می‌کردند.

یهودیان مهاجر مزارع جمعی کوچکی را از ساکنان فلسطین خریداری نموده و با غصب مناطق بیشتر، مزارع جدیدی را به وجود آوردند که بعدها این مناطق زمینه ساز تشکیل یک شهر به نام تل آویو شد. جمعیت یهودیان فلسطین با این مهاجرت‌ها تا سال ۱۹۰۳ به ۵۷,۰۰۰ نفر رسید و این در حالی بود که جمعیت کل ساکنان بومی فلسطین در این سال بیش از ۶۴۰,۰۰۰ نفر بود.

در سال ۱۸۸۰ از کل جمعیت ۵۰۰,۰۰۰ نفری ملت فلسطین تنها ۲۴,۰۰۰ تن یعنی کمتر از ۵ درصد یهودی بودند. در این سال شهر بیت المقدس ۳۵,۰۰۰ نفر، یافا ۱۰,۰۰۰ نفر و حیفا ۵,۰۰۰ نفر جمعیت داشتند.^۷

۶. سرزمین اسلام؛ شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین جهان، غلامرضا گلی زواره، ص ۱۱۶

۷. https://marxistarkiv.se/skribenter/s-beckman/s_beckman-pal-estina_och_israel.pdf



که جمعیت کل ساکنان بومی فلسطین در این سال بیش از ۶۴۰,۰۰۰ نفر بود. به عبارت دیگر در این سال تعداد یهودیان بومی و مهاجر در فلسطین معادل ۸ درصد در مقابل ۹۲ درصد جمعیت فلسطینیان بوده و میزان اراضی یهودیان هم به حدود ۲ درصد از کل اراضی فلسطین می‌رسید.

در طول جنگ جهانی اول، همزمان با ضعف و فروپاشی امپراتوری عثمانی، بریتانیا عثمانی را از بیشتر مناطق غرب آسیا و فلسطین عقب راند و با سقوط امپراتوری عثمانی و تشدید جریان مهاجرت، شمار یهودیان در فلسطین بطور محسوسی افزایش یافت.

در حالی که جمعیت یهودیان که در سرشماری ۱۸۸۰ کمتر از ۵ درصد کل جمعیت فلسطین بودند، با این نقشه گسترده مهاجرت در سال ۱۹۱۴ به حدود ۱۱ درصد افزایش پیدا کردند، به این معنی که از جمعیت ۷۵۰,۰۰۰ نفری فلسطین در سال ۱۹۱۴ میلادی، ۸۲,۵۰۰ تن یهودی بودند.^۹

همچنین در سال ۱۹۱۷ میزان مالکیت عربی و اسلامی در شهر قدس شریف بیش از ۹۰ درصد از مساحت قدس بوده و مالکیت یهود بیش از ۴ درصد را تشکیل نمی‌داده است. همچنین از ساکنان قدس شریف که در آن سال حدود ۴۰,۰۰۰ نفر را شامل می‌شد،

حداکثر ۲۵ درصد، یعنی حدود ۱۰,۰۰۰ نفر یهودی بودند.

رژیم صهیونیستی از ابتدای اشغال قدس شریف اقدام‌هایی در جهت تغییر بافت جمعیتی این شهر مقدس آغاز کرده است، که کماکان ادامه دارد. کلیه این تلاش‌ها در راستای طرح تخلیه بیت المقدس از ساکنان اصلی آن است. در سرشماری سال ۱۹۳۸ از جمعیت ۱,۵۰۰,۰۰۰ نفری فلسطین ۴۵۰,۰۰۰ نفر یهودی بودند. به عبارت دیگر با اعمال سیاست گسترده مهاجرت، جمعیت ۵ درصدی یهود به حدود ۳۰ درصد افزایش یافت.^{۱۰} در سال ۱۹۴۷ به واسطه این مهاجرت‌ها جمعیت فلسطین به ۱,۸۶۷,۰۰۰ نفر رسید که از این تعداد ۶۱۶,۰۰۰ یهودی (۳۳ درصد)

۹. https://marxistarkiv.se/skribenter/s-beckman/s_beckman-pal-estina_och_israel.pdf

۱۰. https://marxistarkiv.se/skribenter/s-beckman/s_beckman-pal-estina_och_israel.pdf



روند تاثیر سیاست مهاجرت یهودیان بر جمعیت فلسطین از ۱۷۰۰ تا ۱۹۴۸

۱۹۱۴	۱۸۸۰	۱۷۰۰	
درصد ۸۷ ۶۵۲,۵۰۰	درصد ۹۳ ۴۶۶,۰۰۰	درصد ۹۶ ۲۸۸,۰۰۰	مسلمانان
درصد ۱۱ ۸۲,۵۰۰	درصد ۵ ۲۴,۰۰۰	درصد ۲ ۶۰۰۰	یهودیان
درصد ۲ ۱۵,۰۰۰	درصد ۲ ۱۰,۰۰۰ نفر	درصد ۲ ۶,۰۰۰ نفر	سایر ادیان
۷۵۰,۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰	۳۰۰,۰۰۰	کل جمعیت
۱۹۴۸	۱۹۴۷	۱۹۳۸	
درصد ۳۰ ۳۵۳,۰۰۰	درصد ۶۵ ۱,۲۱۴,۰۰۰	درصد ۶۸ ۱,۰۲۰,۰۰۰	مسلمانان
درصد ۶۷ ۷۸۸,۰۰۰	درصد ۳۳ ۶۱۶,۰۰۰	درصد ۳۰ ۴۵۰,۰۰۰	یهودیان
درصد ۳ ۳۵,۰۰۰	درصد ۲ ۳۷,۰۰۰	درصد ۲ ۳۰,۰۰۰	سایر ادیان
۱,۱۷۶,۰۰۰	۱,۸۶۷,۰۰۰	۱,۵۰۰,۰۰۰	کل جمعیت

تلاش برای جذب مهاجران یهودی از کشورهای مختلف جهان شتاب بیشتری به خود گرفت. وقوع جنگ‌های چهارگانه صهیونیست‌ها، باعث شد تا رژیم صهیونیستی ضرورت حضور بیشتر یهودیان در فلسطین را احساس کند.

و ۱,۲۱۴,۰۰۰ نفر مسلمان (۶۵ درصد) و حدود ۳۷,۰۰۰ نفر مسیحی و دروزی (۲ درصد) بودند.

در آوریل ۱۹۴۸ صهیونیست‌ها جنایات هولناکی مانند کشتار مردم روستای دیربایسین و کفرقاسم را به راه انداختند. این کشتارهای وحشیانه موجب وحشت و فرار بخشی از فلسطینی‌ها از خانه و کاشانه‌شان شد. طی این سال حدود ۹۰۰,۰۰۰ فلسطینی آواره شدند. سازمان ملل متحد تعداد آوارگان فلسطینی در سال ۱۹۵۰ را ۹۵۷,۰۰۰ نفر اعلام کرد. حدود ۲۰۰,۰۰۰ تن از مسلمانان فلسطینی ترک خانه نموده و در نوار غزه ساکن شدند و ۴۹۶,۰۰۰ نفر به اردن و ۱۰۰,۰۰۰ نفر به لبنان و ۸۵,۰۰۰ نفر به سوریه و ۲۰,۰۰۰ نفر به مصر و عراق کوچ کردند.

در این سال به واسطه کوچ دادن مسلمانان فلسطینی و جذب مهاجران صهیونیست، سکنه یهودی فلسطین اشغالی به حدود ۶۷ درصد از کل جمعیت رسید.



در طول تاریخ، اکثریت مطلق جمعیت ساکنان سرزمین تاریخی فلسطین را مسلمانان تشکیل می‌دادند. این روند تحولات جمعیتی ادامه داشت تا زمانی که سازمان جهانی صهیونیسم، فلسطین را برای تأسیس یک رژیم مجعول یهودی برگزید و سیاست مهاجرت یهودیان جهان به سرزمین مقدس در کنار سیاست کشتار، ارباب و کوچ اجباری ساکنان اصلی و مسلمان فلسطین در دستور کار قرار گرفت.

رژیم صهیونیستی همواره با بهره برداری از حوادث و بحران‌های بین‌المللی یهودیان جهان را به مهاجرت و زندگی در فلسطین دعوت می‌کنند. صهیونیست‌ها از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه نود بهره برداری کردند و یهودیان روسیه را بصورت گسترده به مهاجرت به فلسطین دعوت کردند. همچنین از وضعیت اقتصادی و فقر در اقیانوس و دیگر کشورهای آفریقایی به سود خود بهره برداری کرده و یهودیان آفریقایی را نیز به مهاجرت و زندگی در فلسطین اشغالی ترغیب می‌کردند.

آنچنان که تا اینجا در بررسی پیشینه تاریخی تحولات جمعیت در فلسطین گذشت، در طول تاریخ، اکثریت مطلق جمعیت ساکنان سرزمین تاریخی فلسطین را مسلمانان تشکیل می‌دادند. این روند تحولات جمعیتی ادامه داشت تا زمانی که

در این مقطع کنست (پارلمان اسرائیل) دو قانون مهم یعنی قانون بازگشت ۱۹۵۰^{۱۰} و قانون تابعیت ۱۹۵۲^{۱۱} را به منظور فراهم نمودن زمینه مهاجرت بیشتر یهودیان تصویب کرد. در این میان آژانس جهانی یهود با صرف هزینه‌های هنگفت و توسل به انواع و اقسام روش‌ها، صدها هزار یهودی را از سراسر جهان گرد هم آورد.

روند مهاجرت یهودیان جهان به فلسطین از ۱۹۴۸ تا ۲۰۱۲

سال	تعداد مهاجران
۱۹۴۸-۱۹۶۷	۱,۲۷۵,۱۰۰
۱۹۶۸-۱۹۷۸	۳۶۷,۸۵۰
۱۹۷۹-۱۹۸۹	۱۹۱,۱۰۰
۱۹۹۰-۲۰۰۰	۱,۰۱۶,۵۲۰
۲۰۰۱-۲۰۱۲	۲۵۸,۱۶۰
مجموع	۳,۱۰۸,۶۷۸

۱۰. قانون بازگشت، یک قانون صهیونیستی است که در سال ۱۹۵۰ تصویب شده و به یهودیان جهان اجازه مهاجرت به اسرائیل را می‌دهد. در سال ۱۹۷۰ این قانون به افراد دارای نژاد یهودی و همسران آنان تعمیم پیدا کرد.
۱۱. کنیسه در ۱۹۵۲ طرح قانون تابعیت را تصویب کرد و لازم الاجرا شد. قانون تابعیت اسرائیل تأکید مجددی بر یهودی بودن عامل جمعیت آن رژیم است و در نتیجه نگهدارنده ویژگی دولت به عنوان یک دولت یهودی است. این قانون دو ویژگی اصلی دارد. نخست دوگانگی تابعیت و سپس نژادگرایی.

سازمان جهانی صهیونیسم، فلسطین را برای تأسیس یک رژیم مجعول یهودی برگزید و پس از آن بود که سیاست مهاجرت یهودیان جهان به سرزمین مقدس در کنار سیاست کشتار، ارباب و کوچ اجباری ساکنان اصلی و مسلمان فلسطین در دستور کار قرار گرفت. در این مقطع با کشتار گسترده و اخراج اجباری فلسطینی‌ها، جمعیت آنها روبه کاهش گذاشت و در مقابل با اعمال سیاست کوچ یهودیان جهان به سوی سرزمین‌های اشغالی، موازنه تاریخی جمعیت در فلسطین به نفع یهودیان صهیونیست جابه‌جا گشت.

رژیم صهیونیستی در تمام سالیان اشغال کوشیده است تا با تداوم سیاست جذب یهودیان جهان به اراضی اشغالی و اعطای مشوق‌های فرزندآوری به یهودیان صهیونیست، برتری جمعیتی خود را حفظ نماید و البته تا سال ۲۰۱۷ جمعیت کل یهودیان ساکن در اراضی اشغالی بیشتر از جمعیت کل مسلمانان فلسطینی ساکن در فلسطین بود. اما به واسطه برتری الگوی نرخ باروری و نرخ رشد جمعیت مسلمانان، در سال ۲۰۱۷ در سیر تحولات جمعیتی فلسطین واقعه بسیار مهم و تعیین کننده‌ای به وقوع پیوست و آن عبارت است از برابری جمعیت کل مسلمانان و یهودیان ساکن در گستره فلسطین و سپس برتری جمعیت مسلمانان از جمعیت یهودیان. لذا می‌توان سال ۲۰۱۷ را از منظر جمعیت پژوهی، پیچ تاریخی جمعیت در فلسطین نامید.

تا سال ۲۰۱۷ جمعیت کل یهودیان ساکن در اراضی اشغالی بیشتر از جمعیت کل مسلمانان فلسطینی ساکن در فلسطین بود. اما به واسطه برتری الگوی نرخ باروری و نرخ رشد جمعیت مسلمانان، در سال ۲۰۱۷ در سیر تحولات جمعیتی فلسطین واقعه بسیار مهم به وقوع پیوست و آن عبارت است از برابری جمعیت کل مسلمانان و یهودیان ساکن در گستره فلسطین و سپس برتری جمعیت مسلمانان از جمعیت یهودیان. لذا می‌توان سال ۲۰۱۷ را از منظر جمعیت پژوهی، پیچ تاریخی جمعیت در فلسطین نامید.

تحولات جمعیت مسلمانان و یهودیان در فلسطین از ۱۷۰۰ تا ۲۰۱۸

۱۹۴۸	۱۹۴۷	۱۷۰۰	
۳۵۳,۰۰۰	۱,۲۱۴,۰۰۰	۲۸۸,۰۰۰	مسلمانان
۷۸۸,۰۰۰	۶۱۶,۰۰۰	۶,۰۰۰	یهودیان
۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۰	
۶,۷۶۰,۰۰۰	۶,۴۹۰,۰۰۰	۵,۱۰۰,۰۰۰	مسلمانان
۶,۶۲۰,۰۰۰	۶,۴۹۰,۰۰۰	۵,۸۰۰,۰۰۰	یهودیان

تحولات جمعیت مسلمانان و یهودیان در فلسطین از ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰

قابل توجه اینکه برتری آماری نرخ باروری و نرخ رشد جمعیت مسلمانان فلسطینی نسبت به یهودیان صهیونیست، همچنان به طور فاحشی باقی است. لذا با در نظر گرفتن این برتری قاطع الگوی فرزندآوری مسلمانان و همچنین جنبش بازگشت



فلسطینیان آواره به کشورشان، در کنار آمارهای مهاجرت معکوس یهودیان از اسرائیل، می‌توان پیش‌بینی کرد که روند برتری جمعیتی و افزایش اختلاف جمعیت مسلمانان فلسطینی از یهودیان صهیونیست همچنان تداوم خواهد داشت.

همانطور که دیدیم سال ۲۰۱۷ در تحولات جمعیت‌شناسی کشور فلسطین نقطه عطف بسیار مهم و تعیین کننده‌ای است، چراکه قدم‌مطلق جمعیت مسلمانان و یهودیان ساکن در کشور فلسطین بعد از حدود ۷۰ سال برابر گشته و بلکه جمعیت مسلمانان فزونی یافت. به این ترتیب به نظر می‌رسد موازنه داده‌های جمعیتی در سال‌های آتی با شیب قابل توجهی به سمت برتری بیشتر جمعیت مسلمانان تغییر خواهد نمود. مطابق با آنچه از داده‌های آماری موجود کشف می‌گردد و با توجه به روند روزافزون مهاجرت معکوس یهودیان صهیونیست از اسرائیل و سیر فروپاشی ساختارهای اجتماعی، بدیهی است این رژیم نامشروع با سرعت و شیب زیادی به سوی نابودی پیش می‌رود و این پدیده مبارک در کمتر از دو دهه آینده محقق خواهد گشت.



دیوید پلاک
روزنامه نگار ارشد واشنگتن پست

نگرش‌های جدید در عربستان به اسرائیل و یهودیان

بسیاری از گزارش‌های کنونی در مورد عربستان سعودی به درستی بر تداوم سیاست‌های سرکوب‌گرانه، اشتباهات اقتصادی یا رویدادهای ناگوار نظامی متمرکز است، اما برخی از تحولات فرهنگی و اجتماعی مهم که بالقوه مثبت‌تر هستند نیز چشمگیر بوده است. برخی از مشاهدات کلی خودم در سفر ماه جولای به عربستان سعودی را چند هفته پیش در مطلبی تحت عنوان «نگاهی از نزدیک به تغییرات عربستان: هفته‌ای پر از شگفتی» منتشر کردم. در مطلب حاضر می‌خواهم به صورت دقیق‌تر به دگرگونی‌هایی خاص در نگرش دست‌کم برخی از سعودی‌های بانفوذ به اسرائیل و هم‌چنین یهودیان به طور کلی بپردازم.



دگرگونی‌ها در نگرش به اسرائیل

نگرانی عربستان از نفوذ فزاینده ایران و همچنین نومییدی حاصل از برخورد انفعالی آمریکا در گذشته با این موضوع، سبب شده است تا در برداشت‌های بسیاری از عربستانی‌ها راجع به اسرائیل تغییرات مثبت و واقعی رخ دهد. برای مثال، در همایشی راجع به بحران سوریه، که در ریاض برگزار شد، خاطرنشان کردم که اسرائیل در محدودسازی دخالت‌های ایران در سوریه با برخی دولت‌های عرب منافع مشترک دارد و در واقع در همین راستا اقداماتی هم انجام می‌دهد. اکثر شرکت‌کنندگان عربستانی و از جمله دو عضو مجلس شورای عربستان (شورای مشورتی حکومت پادشاهی عربستان) هم به تأیید سر تکان دادند. برخی هم بعداً به من گفتند که شخصاً پشتیبان این دیدگاه هستند که زمانی تابو به شمار می‌آمد.

البته نه اینکه این دیدگاه با هیچ مقاومتی مواجه نشده باشد؛ در واقع شرکت‌کننده دیگری هم که عضو مجلس شورای

عربستان بود اعلام کرد: «اسرائیل همیشه دشمن است و خواهد بود و در مورد منافع راهبردی مشترک جهان عرب و اسرائیل نمی‌توانیم حرف بزنیم.» با این همه، این فرد هم مدعی نبود که چنین منافع مشترکی وجود ندارد. وانگهی، طی یک هفته‌ای که در ریاض بودم این تنها نظر قاطع ضداسرائیلی بود که شنیدم. در واقع، در نظرات اکثر محققان عربستانی که با آنها صحبت کردم، و به‌خصوص در میان آنهایی که از نسل جوان بودند، به نظر می‌رسد که اکنون راجع به اسرائیل اختلافات اندکی وجود دارد و به آن از منظری نسبتاً عمل‌گرایانه می‌نگرند تا ایدئولوژیک یا مذهبی.

تغییر دیدگاه‌ها در این مورد در بیانات اخیر مقامات و رسانه‌های عربستان نیز نمایان است و البته با فراز و نشیب‌های آشکار در نگرش‌های مورد قبول عمومی نسبت به اسرائیل همراه است. یکی از آشنایان عربستانی که پاییز گذشته در ویلاگ خود مطلب پرترفداری در ستایش محمد بن‌سلمان، ولیعهد



در عربستان، منتشر کرده بود چندی بعد مطلبی هم در ستایش اسرائیل منتشر کرد و در نتیجه شغلش را در یک مرکز تحقیقاتی بلافاصله از دست داد. همین‌طور، در حالی که شخص محمد بن‌سلمان در ماه آوریل در مصاحبه‌ای با نشریه آتلانتیک با اسرائیل ابراز همدردی کرده بود، یک ماه بعد پدرش ملک سلمان با لحن دیگری در همان مورد اظهار نظر کرد. پادشاه عربستان به‌صراحت گشایش سفارت ایالات متحده در اورشلیم (قدس اشغالی) را محکوم کرد و به پشتیبانی از آرمان فلسطین «اولویت» داد.

در جریان این فراز و نشیب، به‌تازگی گویا دوباره تمایلی برای تأیید آشکار منافع مشترک با اسرائیل پیدا شده است. مثلاً قابل توجه است که عبدالرحمن الراشد، صاحب‌نظر سرشناس، در مطلبی که در ۵ سپتامبر به دو زبان عربی و انگلیسی در رسانه‌های معروف عربستان منتشر کرد، از کمک اسرائیل برای مقابله با ایران نه فقط

در سوریه، بلکه در عراق تقدیر کرد. در ماه اوت طی ایام حج نیز مفتی اعظم عبدالعزیز الشیخ، مرجع اصلی مذهبی در عربستان، با انتشار بیانیه‌ای به‌راستی قابل توجه از ایران بابت اشکال‌تراشی برای زائران مسلمان به‌شدت انتقاد کرد و خاطرنشان کرد که اسرائیل هم چنان موانعی در مسیر زائران ایجاد نکرده است. عربستان به تازه‌ترین مورد قطع کمک‌های ایالات متحده به آژانس امدادسانی و کاریبی سازمان ملل متحد برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک (UNRWA) و سایر مؤسسات فلسطینی نیز کوچک‌ترین اعتراضی نکرد و این با اعتراض خشمگینانه و پر از لفاظی مقامات مصر و اردن (و ایران با ظاهرسازی شگفت‌آور و ریاکارانه‌اش) کاملاً در تضاد قرار داشت. جالب است که این روزها احتمال چاپ گزارش‌ها و تفسیرهایی به‌هواداری از فلسطین در رسانه‌های انگلیسی‌زبان عربستان، مثل روزنامه عرب نیوز، بیشتر از رسانه‌های عرب‌زبان و بانفوذتر این کشور است.

تغییر عینی رخ دهد، زیرا همدردی چشمگیر مردمی با فلسطینی‌ها ادامه دارد. احتمالاً این نکته در مورد بسیاری از اعضای نهادهای مذهبی سنتی هم صدق می‌کند. یکی از شخصیت‌های رسانه‌ای عربستان شایعه‌ای را نقل می‌کرد به این مضمون که چندی پیش هیات بزرگی از شیوخ ارشد به مدت چهار ساعت با ملک سلمان دیدار کرده و به وی التماس کرده‌اند که حداقل آهنگ تغییرات را کاهش دهد. این شخص در ادامه به طعنه گفت گروهی که زمانی به نظرشان پادشاه فعلی عربستان صرفاً بیماری کهنسال بود که پایش لب‌گور است و قدرتی ندارد، اکنون ناگهان به او به چشم تنها ترمز نیرومند در برابر تکانه‌های اصلاح‌طلبانه فرزند تازه‌به‌قدرت رسیده‌اش می‌نگرند.

یکی از شخصیت‌های رسانه‌ای عربستان شایعه‌ای را نقل می‌کرد به این مضمون که چندی پیش هیات بزرگی از شیوخ ارشد به مدت چهار ساعت با ملک سلمان دیدار کرده و به وی التماس کرده‌اند که حداقل آهنگ تغییرات را کاهش دهد. گروهی که زمانی به نظرشان پادشاه فعلی عربستان صرفاً بیماری کهنسال بود که پایش لب‌گور است و قدرتی ندارد، اکنون ناگهان به او به چشم تنها ترمز نیرومند در برابر تکانه‌های اصلاح‌طلبانه می‌نگرند.

دگرگونی‌های نگرش به یهودیان

اما فقط نگرش عربستانی‌ها - دست کم شماری از متخصصان جوانتر شهرنشین - نسبت به اسرائیل نیست که تغییر کرده است. برداشت من این است که صدها هزار عربستانی در نتیجه رفتن

شواهد حاکی از تغییر چشم‌انداز که متکی بر مشاهدات و رسانه‌ها است، با داده‌های عینی سه نظرسنجی عمومی قابل اعتماد نیز پشتیبانی می‌شود که خود من در سه سال گذشته در عربستان سعودی انجام داده‌ام. این نظرسنجی‌ها به دست افراد محلی و از طریق مصاحبه فردی با ۱۰۰۰ شهروند عربستان که نمونه‌وار انتخاب شده‌اند، انجام گرفته است. اکثریت محکمی از عموم مردم عربستان هوادار «راهکار دو کشوری» در منازعه اعراب و اسرائیل، شامل برقراری صلح بین اسرائیل و یک دولت فلسطینی، و تصویب همکاری فراگیر اعراب با اسرائیل به محض برقراری چنین پیمان صلحی هستند. شگفت آن که تازه‌ترین نظرسنجی زاگیبی، که نتایج کارش اغلب هوادار فلسطین است، نیز تأییدکننده این یافته است و نشان می‌دهد که اکثریت عربستانی‌ها از «اتحاد» عملی با اسرائیل در مقابل ایران و تروریسم بعد از برقراری پیمان صلح فلسطین - اسرائیل حمایت می‌کنند. البته، طبق تازه‌ترین نظرسنجی‌ای که انجام داده‌ام، فقط حدود ۲۰ درصد عربستانی‌ها از برقراری رابطه آشکار با اسرائیل قبل از حل و فصل شدن معضل فلسطین حمایت می‌کنند.

مدیران رسانه‌ها و دیگر روشنفکران شناخته‌شده عربستان به طور خصوصی به من گفته‌اند که مدتی باید بگذرد تا در نگرش‌های جا افتاده ضداسرائیلی

کرد در یکی از دو محله نزدیک به دانشگاه که «یهودیان زیادی در آن جا زندگی می‌کردند» خانه اجاره کند. به گفته آن هم‌دانشگاهی، در این دو محله بیش از همه می‌توانست از محیطی «امن، تمیز، مدرسه‌های خوب و همسایگان خوش‌خلق» برخوردار شود. این دوست عربستانی من هم به آن توصیه گوش داد و در نتیجه با دیدگاهی خوب نسبت به یهودیان به عربستان برگشت.

درست است که این فقط دو روایت است، اما حتی اگر بخشی از ۱۲۰ هزار عربستانی که هم‌اکنون در دانشگاه‌های ایالات متحده تحصیل می‌کنند تجربیاتی مشابه این دو راوی داشته باشند، برداشت عمومی مردم عربستان از یهودیان دستخوش تغییرات مهمی خواهد شد. بی‌شک روایت‌های دیگری هم هست حاکی از اینکه شماری از دانشجویان عربستانی طی تحصیل در کشورهای غربی بیگانه‌تر، متعصب‌تر و حتی افراطی‌تر می‌شوند؛ اما خودم شخصا با چنین افرادی کمتر برخورد داشته‌ام. با این همه، به نظر می‌رسد که شمار افرادی که در جامعه عربستان به طور سنتی تنگ‌نظر هستند یا خودمحقق‌بینی خصمانه‌ای دارند، با شمار افراد بخش جدیدی از جامعه که رواداری بیشتر و فکر بازتری دارند دست‌کم به توازنی رسیده است.

بررسی رسانه‌های جریان اصلی در

به خارج از کشور برای تحصیلات بعد از متوسطه، شاهد روابط دوستانه با یهودیان محل تحصیل‌شان بوده‌اند و با آنها رابطه دوستانه هم برقرار کرده‌اند؛ هرچند که شواهدی مبتنی بر نظرسنجی در سال‌های اخیر در این زمینه ندیده‌ام؛ برای مثال، جوانی عربستانی که مدیر یک استودیوی تلویزیونی است به من می‌گفت چون بهترین دوست و همکلاسی پدرش به هنگام تحصیلات دوره کارشناسی در دانشگاه ایالتی میشیگان یهودی بود، حتی امروز هم پدر و پسر نسبت به یهودیان دید مثبتی دارند.



جوان عربستانی دیگری هم که اکنون در پژوهشگاه خصوصی معتبری در ریاض کار می‌کند خودش، بی آن که از او خواسته باشم، برایم تعریف می‌کرد وقتی که تحصیل در رشته کارشناسی ارشد مطالعات غرب آسیا در دانشگاه یوتا را آغاز کرده بود، یکی از هم‌دانشگاهی‌های ارشدتر به وی توصیه

سال ۲۰۱۵ و اواسط سال ۲۰۱۷ سرپرستی کردم، از عربستانی‌ها پرسیده شد آیا با این جمله موافق هستند یا مخالف: «باید به حرف آنهاپی که تفسیری معتدل‌تر، روادارانه‌تر و مدرن‌تر از اسلام دارند گوش داد.» طی آن دو سال شمار موافقان چنین تغییر نظری واقعاً دو برابر شد و از ۱۵ به ۳۰ درصد افزایش یافت. نظرسنجی بعدی که برای همین اکتبر برنامه‌ریزی شده است نشان خواهد داد که آیا این روند ادامه خواهد داشت یا خیر.

در نظرسنجی‌هایی که در اواسط سال ۲۰۱۵ و اواسط سال ۲۰۱۷ سرپرستی کردم، از عربستانی‌ها پرسیده شد آیا با این جمله موافق هستند یا مخالف: «باید به حرف آنهاپی که تفسیری معتدل‌تر، روادارانه‌تر و مدرن‌تر از اسلام دارند گوش داد.» طی آن دو سال شمار موافقان چنین تغییر نظری واقعاً دو برابر شد و از ۱۵ به ۳۰ درصد افزایش یافت.

نتیجه‌گیری: چه مقدار تغییر، با چه مقدار تاثیرگذاری؟

طبق شواهد محدودی که وجود دارد به نظر می‌رسد که این تغییرات در نگرش عربستانی‌ها به اسرائیل و یهودیان حتی اگر فراگیر نباشد کاملاً واقعی است. این تغییرات می‌تواند اثرات دراز مدتی بر سیاست‌گذاری عربستان بگذارد، ولی نشانه‌ای وجود ندارد که بگوییم دگرگونی‌هایی چشمگیر در افکار عمومی به این زودی‌ها پیدا خواهد شد. اثر نهایی این تغییرات به چگونگی تعامل آن‌ها با انبوهی از مولفه‌های دیگر

عربستان هم موید این قضاوت است، زیرا اکنون تا حد زیادی غیبت توهین‌های ضدیهودی قدیمی آشکار است-گرچه متأسفانه در رسانه‌های اجتماعی موضوع اینقدرها سراسر نیست. در عوض، امروزه می‌توان گاهی مقالات همدلانه با برخی از معضلات یهودیان را در مطبوعات عربستان دید که معمولاً در مورد موضوعات تاریخی است تا مسائل معاصر. به همین ترتیب، محمد العیسی، رییس مجمع جهانی مسلمانان در جده، در یک سال گذشته به هر دو زبان عربی و انگلیسی خیلی به این موضوع پرداخته است و نه تنها هولوکاست و منکران امروزی آن را محکوم کرده است، بلکه قرائتی از اسلام را ترویج کرده که در قبال سایر ادیان و از جمله مذهب یهودی روادارتر است. یکی از کارشناسان این مجمع خاطر نشان می‌کند که بین این پیام و تمام پیام‌های قبلی این سازمان سعودی تفاوت بارزی وجود دارد. این پیام جدید کارساز بوده است؛ چندین عربستانی که به‌تازگی در جده با آنها صحبت کرده‌ام به من می‌گفتند که از این گفتمان روشنگر، گشوده و نهادینه اسلامی و تفاوت آن باخبر هستند و آن را تأیید می‌کنند و امیدوارند که روز به روز قوی‌تر شود.

در این مورد هم داده‌های نظرسنجی نشانگر شواهد ملموسی از تغییر نگرش است. در نظرسنجی‌هایی که در اواسط



«تأیید» گسترده اعراب مواجه شود، ولی به نظر وی چشم‌انداز معقولی برای پذیرش و حتی «حمایت» اعراب وجود دارد. به گفته وی، کشورهای عربی اطراف اسرائیل بی‌شک می‌توانند نقش مثبتی در این طرح ایفا کنند، ولی این نقش همچنان نقشی ثانوی خواهد بود.

با توجه به پس‌زمینه‌ای که در بالا طرح شد، به نظر می‌رسد دست‌کم در میان‌مدت دیدگاه‌هایی مانند دیدگاه گرین‌بلات درست از کار درآید. نگرش به اسرائیل و یهودیان فقط یکی از موضوعات بسیاری است که در عربستان امروز نقش ایفا می‌کند. تغییرات در این حوزه مهم است، اما خیلی با قطعی شدن فاصله دارد.

بستگی دارد که بر ثبات پادشاهی عربستان، ظرفیت‌ها و مقاصد آن اثرگذار است: از ترجیحات شخصی تا سیاست‌های دربار عربستان و تحولات اقتصادی، امنیتی، بین‌المللی و به‌خصوص تحولات دیپلماتیک بین کشورهای عربی.

به هر حال، تغییرات نگرشی نه فقط در رأس جامعه عربستان، بلکه در بدنه میانی جامعه در حال رخ دادن است و زمینه‌هایی برای ایفای نقش میانجی فعال عربستان سعودی (البته در پشت پرده) در امور اعراب-اسرائیل و فعالیت‌های بین مذهبی فراهم می‌کند. به طور مشخص، هفته پیش، جیسون گرین‌بلات، میانجی ویژه ایالات متحده در غرب آسیا در مصاحبه‌ای که چندان پوشش خبری نگرفت، گفت انتظار ندارد که وقتی طرح صلح دولت ترامپ برای اعراب و اسرائیل نهایتاً منتشر شود با

در قرآن کریم جز از دو گروه سخنی به میان نیامده است گروه ایمان و گروه کفر (فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر - كهف ۲۹) حق و باطل (فماذا بعدالحق الا الضلال - يونس ۳۲).

حتی یک آیه هم به گروهی که بین این دو باشد و به اصطلاح بی طرف باشد اختصاص داده نشده است چرا که اصلاً چنین گروهی وجود ندارد تا در مورد آنها حرفی زده شود. در نبرد بین علی بن ابیطالب (ع) و هر جریان و شخص دیگری، کسی که با علی (ع) نباشد هر جا باشد با حق نیست (فماذا بعدالحق الا الضلال) جبهه نفاق هم همان جریان کفر است با لباس اسلام.

ضرورت شناخت جبهه حق و ایمان از اینجا پیدا می شود که اگر جبهه حق را نشناخته و به آن نپیوندیم لاجرم در جبهه باطل خواهیم بود، چه بخواهیم چه نخواهیم. چرا که تشکیل جریان های اجتماعی تابع نیت افراد نیست کسی که علیه امام حسین علیه السلام در کربلا شرکت کرده است با نیت «قربة الى الله» هم که باشد اثری در جبهه باطل بودن وی ندارد لذا ما در عرصه اجتماعی و تشخیص جریان ها به دنبال کشف نیت افراد نیستیم.





دکتر محمد هادی همایون
عضو هیئت امنای جامعه الصادق علیه السلام، رئیس دانشکده
معارف اسلامی و علوم ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام

تاریخ تمدن و ملک مهدوی (شانه‌ها و تمدن)

بخش سوم: معاد و مهدویت - قسمت اول

در سلسله مباحث قبل به تبیین نشانه‌های ظهور از چرایی اصرار پیامبر بر عدم جداسدن قرآن و عترت از یکدیگر با توجه به آیات و تفاسیر موجود پیرامون حدیث شریف تقلین پرداختیم و به دلایل توجه جهان معاصر به نشانه‌های ظهور و اهمیت شناخت دقیق نشانه‌ها با توجه به روایات معصومین علیهم السلام و بحث پیوستگی جریان حق و باطل در گذر زمان و اصالت جریان حق پرداختیم. حال در این شماره به تبیین معاد محور مهدویت و ارتباط عوالم به یکدیگر می‌پردازیم تا بتوانیم بهتر دیدگاه تمدنی را مورد بررسی قرار دهیم.



درک ما از معاد

به پیش از خلقت ما است به نوعی جبر محسوب می‌شود و از آن گریزی نیست. به هر حال بر این خط و بُرداری که نقطه آغاز آن تولد است به سیر ادامه می‌دهیم.

البته به ما گفته می‌شود- به حق- که پیش از این دنیا در عالم دیگری که "عالم دَرّ" می‌نامیم‌اش گونه‌ای از حضور را داشته‌ایم و در آنجا از ما پیمان‌هایی برای نحوه زندگی در دنیا گرفته‌اند که امروز آن را فراموش کرده و از آن غافل شده‌ایم. این برهه را نیز می‌توانیم بر این پاره‌خط زندگی بیفزاییم و در واقع شروع داستان را نه از تولد که از عالم ذر در نظر بگیریم.

سیر خود را بر خط زندگی ادامه می‌دهیم تا به آشناترین قسمت این جریان و در عین حال اسرارآمیزترین واقعه در زندگی بشر می‌رسیم: مرگ. اگرچه مرگ را تا زمان وقوع آن تجربه

موضوع معاد و قیامت و درک آن در این زندگی مادی از مواردی است که به رغم سهولت و لطافت بر انسان بسیار سخت و پیچیده می‌نماید. داستان ما و معاد داستان ماهی است و دریا. اگرچه دریای بی‌کران همه وجود ماهی را در بر گرفته، اما وی از درک و توصیف آن عاجز است. از ابتدای تولدمان به مدد تعالیم و تعبیر دنیایی اطرافیانمان، تصویری کودکانه از خداوند و جریان آفرینش در ذهنمان شکل می‌گیرد. به دنبال این نوع نگاه به جریان آفرینش و بر اساس درکی که از موضوع مرگ در زندگی دنیوی برآیمان حاصل می‌شود، نگاهی خطی به جریان آمد و شد انسان بر عقاید ما حاکم می‌گردد. بر اساس این نوع نگاه، ما در تاریخ و مکانی که نمی‌دانیم چرا اینچنین انتخاب شده به این دنیا وارد می‌شویم. معمولاً پاسخ ما هم به این نحوه ورود این است که چون مربوط

نمی‌کنیم، ولی بارها و بارها در میان اطرافیانمان شاهد آن می‌شویم و اساساً از همین رو است که آنچه برای ما نمود بیشتری دارد این روی سکه مرگ است که در دنیا اتفاق می‌افتد. در عین حال همانند تولد نمی‌دانیم که چرا در این زمان و این مکان می‌میریم و آن را هم به علم الهی ارجاع می‌دهیم.

در ادامه عالم ذر، این بخش از نمودار یادشده را که میان تولد تا مرگ قرار دارد "عالم دنیا" می‌نامیم و معتقدیم پس از مرگ به عالم دیگری به نام "برزخ" وارد می‌شویم که حفاصل مرگ تا واقعه‌ای است که آن را

برخی زندگی در عالم برزخ را نیز تنها به مثابه ایستگاه انتظاری در نظر می‌گیریم که محل وقوف کسانی است که پیش از دیگران مرده‌اند و تا برپایی قیامت کبری در این منزلگاه باید به انتظار بنشینند. این که چرا باید منتظر رسیدن و الحاق دیگران به این کاروان باشیم، پاسخ روشنی برای آن نداریم.

"قیامت" نام می‌نهیم. از آنجا که معمولاً جسم مردگان را در میان خاک و در قبر می‌گذارند، تصور ابتدایی و کودکانه‌ای در ذهن ما شکل می‌گیرد که عالم برزخ در زیر پاهای ما در جریان است، در صورتی که با قدری تأمل تصدیق می‌کنیم که بطون زمین خاکی نیز متعلق به همین عالم مادی دنیا است و برزخ باید جای دیگری باشد که البته آن را هم نمی‌دانیم کجا است. همچنین از آنجا که تصور روشنی از جریان معاد و تلاش انسان

برای ملاقات پروردگار خویش نداریم، همان‌گونه که دنیا و زندگی در آن را جریانی منفعلانه می‌پنداریم، از بدو تولد تا هنگام مرگ؛ زندگی در عالم برزخ را نیز - که حتی بر اساس این نگاه خطی بایستی اشرف از زندگی دنیوی باشد - تنها به مثابه ایستگاه انتظاری در نظر می‌گیریم که محل وقوف کسانی است که پیش از دیگران مرده‌اند و تا برپایی قیامت کبری در این منزلگاه باید به انتظار بنشینند. این که چرا باید منتظر رسیدن و الحاق دیگران به این کاروان باشیم، پاسخ روشنی برای آن نداریم. حتی به روشنی نمی‌دانیم که گذران ما در آن عالم چگونه اتفاق می‌افتد و مشغولیت ما در آن عالم چیست. تنها اجمالاً می‌دانیم که پس از پشت سر گذاشتن جریان سخت و هولناک شب اول قبر و داستان نکیر و منکر، خود قبر، بر اساس محاسبه برزخی اعمالمان، تبدیل به باغی از باغهای بهشت یا گودالی از گودالهای دوزخ می‌شود و تا برپایی قیامت در آن به سر خواهیم برد.

به هر حال با ورود برخی به این عالم - بر اثر مرگ - و ادامه حیات برخی دیگر در عرصه دنیا، روزی می‌آید که ناگهان همه زمین و آسمان در هم پیچیده می‌شود و جهان خلقت به سوی نابودی سوق داده می‌شود. نفخه صور در مرتبه نخست همه را می‌میراند و در نفخه دوم همه زنده شده و سر از قبر بر می‌دارند

برزخ



و با سرعتی بسیار بیشتر اتفاق افتاده بود- وارد بهشت یا دوزخ می‌شویم و در آنجا اگر اهل بهشت باشیم وارد باغی می‌شویم که در آنجا همه نعماتی که در زمین می‌شناختیم و بدین شکل در دسترس ما نبود یکجا در اختیارمان قرار می‌گیرد و اگر اهل جهنم باشیم در آنجا بر اساس سنگینی گناهانمان به طور موقت یا جاودان در آتش خواهیم سوخت و در کنار آن به انواع عذابهای دیگر معذب خواهیم بود.

و وارد عرصه "قیامت" می‌شوند. در اینجا منظور از قیامت عالمی است دیگر که پس از برزخ قرار دارد و در عین حال همنام واقعه‌ای است که بر روی زمین و در عالم دنیا صورت گرفته است. این که چگونه واقعه‌ای در دنیا بر عالم برزخ تأثیر می‌گذارد و مردگان منتظر را نیز به عرصه قیامت می‌کشد برای ذهن خوگرفته به قواعد دنیوی ما نیز چندان معلوم نیست.

به هر حال با این اتفاقات وارد عالم قیامت به عنوان عالم نهایی می‌شویم که جای آن را نیز همان‌گونه که در مورد عالم برزخ جایی در این دنیا می‌پنداشتیم، و آن زیر این زمین بود، این بار در آسمانها می‌پنداریم و نخست تصور می‌کنیم که در پایان این قلمرو و در جایی که ستارگان به پایان می‌رسند عالم قیامت آغاز می‌شود؛ هر چند که با اندکی تأمل تصدیق می‌کنیم که حتی اگر به چنین جایی برسیم، باز آنجا را باید عالم دنیا دانست و قواعد ماده را بر آن بار کرد؛ و سرانجام در مورد محل وقوع این عالم نهایی هم سکوت می‌کنیم. به هر صورت در آنجا پس از گذشتن از پل صراط و پشت سر گذاشتن مراحل از قبیل میزان و نامه اعمال و شهادت اشهاد و حساب و جزا و شفاعت که البته زمانی بسیار طولانی را به خود اختصاص می‌دهد- در حالی که مختصر این جریان در عالم برزخ در طی یک مرحله به نام شب اول قبر

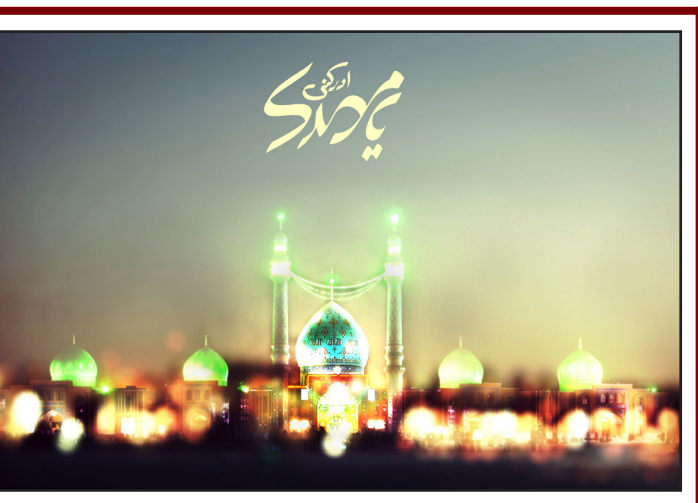


دکتر اسماعیل شفیعی سروسستانی
مدیرعامل موسسه فرهنگی موعود
مهدویت پژوه

سکفتی‌های پیش از ظهور

همه انسان‌ها و کشورها به‌ویژه امت اسلامی پیش از ظهور حضرت بقیة الله (ع) به شرایط سخت و سیاهی که ناشی از ظلم و جور و انحراف آن زمان است مبتلا خواهند شد. این نکته را می‌توان از این حدیث متواتر حضرت رسول اکرم (ص) برداشت کرد که فرمودند: «همانا مهدی (ع) زمین را همانطور که از ظلم و جور پر شده باشد مملو از قسط و عدل می‌گرداند.»

با رجوع به احادیث و روایات معصومین (ع) اخبار و نکاتی را می‌بینیم که سختی و فساد موجود در آن زمان را به تصویر می‌کشند. مضاف بر اینکه بعضی از آنها به برخی حوادث خاص و معین هم اشاره می‌کنند. برای واضح‌تر شدن موضوع می‌توان این احادیث را طوری طبقه‌بندی کرد که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم.



د) کشتار و جنگ‌هایی که میان مردم واقع می‌شود.

۳- احادیثی که اظهار ناشکیبایی (جزع) ناشی از سختی روزگار و گرفتاری شدید مردم را در آن زمان بیان می‌کنند:

«مؤمنان در عصر غیبت از گرفتاری شدید، بلای طولانی و کم‌طاقتی و هراس رنج می‌برند و به همین خاطر وقتی شخصی از کنار قبر برادرش می‌گذرد می‌گوید: کاش من به جای او بودم...» واضح است که جزع و به تبع آن آرزوی مرگ نتیجه فشار سختی‌ها و مصیبت‌هایی است که شخص در جامعه گمراه و منحرف با آن مواجه می‌باشد.

۴- اخباری که به وجود حیرت (سردرگمی) و تزلزل در افکار و اعتقادات می‌پردازند:

۱- روایاتی که به پر شدن زمین از ظلم و جور خبر می‌دهند:

مضمون این بخش متواتراً در روایات آمده و در احادیث به مسأله پر شدن زمین از ظلم و جور پیش از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام تصریح شده است.

۲- روایاتی که به پدید آمدن فتنه‌ها و شدت یافتن و زیاد شدن جریان‌های ترسناک می‌پردازند:

حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که مفصلاً به فتنه‌های گمراه‌کننده و خوفناک آن زمان می‌پردازند و حدیث ذیل را می‌توان از این دسته شمرد:

امام جواد علیه السلام فرمودند: قائم علیه السلام قیام نخواهد کرد مگر به دنبال خوف و هراس جدی، زلزله‌ها، فتنه‌ها، بلایا و طاعونی که (مردم) بدان مبتلا شده باشند و شمشیر بران (جنگ‌نمایان) میان اعراب و اختلاف زیاد مردم و تفرقه مذهبی آنها و تعدد ادیان و مذاهب و تغییر و تحوّل آنها و...

قابل ذکر است که فتنه معانی مختلفی دارد که به طور خلاصه از این قرار است:

الف) مورد امتحان و آزمایش قرار گرفتن؛

ب) کفر، گمراهی و گناه؛

ج) به وجود آمدن اختلاف نظر در دیدگاه‌های مردم؛

می‌روند. حضرت علی علیه السلام فرمودند: مهدی علیه السلام قیام نمی‌کند تا اینکه یک سوم (از مردم زمین) کشته شوند و یک سوم (خود) بمیرند و تنها یک سوم (از جمعیت زمین) باقی بماند. می‌توان الفاظ موجود در احادیث را با اصطلاحات و معادل‌های امروزی آنها نظیر انحراف فکری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی و از این دسته جایگزین کرد.

شاید بهترین روایتی که به آنها مفصلاً می‌پردازد این حدیث نبوی ص است که ابن عباس می‌گوید در حجة الوداع، با رسول مکرم اسلام ص مشغول انجام مناسک حج بودیم که حضرت حلقه در کعبه را گرفته و رو به ما کردند و فرمودند: آیا می‌خواهید شما را از نشانه‌ها و حوادث پیش از قیامت خبردار کنم؟ سلمان که از همه به ایشان نزدیکتر ایستاده بود گفت: بلی یا رسول‌الله! ایشان فرمودند: از جمله آنها ضایع و تباه کردن نمازها و تبعیت از شهوت‌ها، متمایل شدن به هواهای نفسانی، تکریم و بزرگداشت ثروتمندان و مال‌پرستان و فروختن دین به قیمت دنیا است. در این زمان است که قلب مؤمن در درونش همانسان که نمک در آب حل می‌شود، ذوب می‌شود چرا که منکرات، کژی‌ها و کاستی‌ها را می‌بیند و قدرت تغییر دادن آنها را ندارد. سلمان پرسید: آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

از این جمله حدیثی است که از امیر المومنین علی علیه السلام نقل شده که در میان صحبت‌هایشان راجع به حضرت مهدی علیه السلام فرمودند: «غیبت و حیرتی پیش خواهد آمد که دسته‌ای طی آن گمراه می‌شوند و دسته‌ای دیگر هدایت می‌یابند» که این حیرت ممکن است از جنبه‌های مختلفی پیش آمده باشد؛ سرگردانی در عقاید دینی نتیجه جریان‌های باطلی است که با جهالت و کنار گذاشتن تفکر در میان امت روبرو می‌گردد. بدین معنا که طولانی بودن مدت غیبت حضرت باعث می‌شود که مردم به شک بیفتند و در مورد مقام ایشان اختلاف پیدا کنند و یا اینکه حیرت درباره وجود جهاد بدون وجود رهبری بلند مرتبه و انقلابی پیش آمده باشد.

۵- اخباری که دلالت بر جنگ‌ها و کشتارها می‌کنند:

احادیث شریف وضعیت سیاسی عصر ظهور را با خصوصیت عدم ثبات (سیاسی) و کثرت جنگ‌ها و کشتارها توصیف می‌کنند. پیش از این امر (قیام) حضرت مهدی علیه السلام کشتار «یبوح» خواهد بود. از حضرت پرسیدند: یبوح به چه معناست؟ فرمودند: دائمی است و از شدت آن کاسته نمی‌شود. حتی برخی روایات شدت این جنگ‌ها را تا آنجا بیان می‌کنند که طی آنها دو سوم از جمعیت زمین از بین



گنجه‌کاری طلوع می‌کند.

- آیا چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم در دست اوست آری! در چنین شرایطی است که مرد با همسرش در تجارت شریک می‌شود، خوی و عادت‌های شخصی و باطل زیاد شده و خوبی‌ها به شدت کم می‌شود. شخص به خاطر سختگیری به بدهکاران خود تحقیر می‌شود. و زمانی است که بازارها به هم نزدیک می‌شوند و یکی می‌گوید چیزی نفروختم و دیگری می‌گوید سودی نبردم و چیزی جز شکایت کردن از خدا دیده نخواهد شد.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد...؟

- سلمان! آری قسم به آنکه جانم در دست اوست در آن زمان است که به دنبال این حوادث اقوامی پیدا می‌شوند که اگر حرفی بزنند کشته می‌شوند و اگر ساکت بمانند غارتشان می‌کنند تا اینکه از اموالشان بهره‌مند شوند و به حریم‌هایشان تجاوز کنند و حرمتشان را شکسته و خونشان را بریزند. قلب‌های آنها کاملاً با ترس و حقه‌بازی عجین گشته و آنها را جز در حالت خوف و نگرانی و هراس و وحشت نمی‌یابی.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم در دست اوست چنین خواهد شد و به دنبال آن حاکمان و امیران ستمگر و وزیران فاسق و کارگزاران و کارشناسان ستمکار پیدا شده و [مردم] به خیانتکاران اعتماد می‌کنند.

- آیا واقعاً چنین روزی خواهد آمد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به قبضه قدرت اوست آری! در آن زمان است که منکرات و انحرافات، معروف و خوب و اعمال پسندیده منکر و ناپسند شمرده می‌شود. به شخص خائن اعتماد و شخص امین خائن خوانده می‌شود. دروغگو را تأیید و راستگو را طرد می‌کنند.

- آیا واقعاً چنین روزی خواهد آمد؟

- قسم به آنکه جانم در دستانش است آری! در آن زمان است که زنان فرمانروا می‌شوند و سروری می‌یابند. با زنان و کنیزکان مشورت می‌گردد و کودکان بر منبرها می‌نشینند و هر چیزی نهایتاً به دروغ ختم می‌شود، زکات و فیه (که حق عمومی و همگانی است) غنیمت و بهره شخصی شمرده می‌شود. شخص به والدینش ستم می‌کند و در عین حال به دوستش خدمت و نیکی. و آنجاست که ستاره

متنفر و در زبان‌هایشان اختلاف نمایان است.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری! در آن زمان است مردان و پسران اتمم برای زینت از طلا استفاده می‌کنند و حریر و دیبا و ابریشم می‌پوشند و با بیگانگان متحد می‌شوند.

- آیا چنین چیزی واقع خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری! در آن زمان ربا علنی می‌شود و با اجناس ممتاز، رشوه و معامله می‌کنند. دین رها می‌شود و مقام و منزلت دنیا (در نظر مردم) رفیع می‌گردد.

- آیا چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری! هر چند به خدا ضرری نمی‌رسانند [و به خودشان ظلم می‌کنند] لیکن طلاق زیاد می‌شود و حدود اقامه و اجرا نمی‌شوند.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری. در آن زمان است که زنان آوازه‌خوان می‌شوند و آلات موسیقی جلوه می‌یابند و به دنبال آن اشرار اتمم پیدا می‌شوند.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری. در آن زمان ثروتمندان

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری! در آن زمان است که چیزی از مشرق و چیزی از مغرب می‌آید و امت مرا رنگارنگ می‌کند چه بیچاره‌اند کسانی که به خاطر آنها ضعیف می‌شوند و وای بر آنها که خدا چه برای آنها مهیّا کرده و چگونه مترصد آنهاست، نه به کوچکترها رحم می‌کنند و نه به بزرگترها احترام می‌گذارند. از خطاکاران و گنهکاران در امان نیستند، بدن‌هایشان بدن انسان و قلب‌هایشان قلب شیطان است.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به کسی که جانم به دست اوست آری. در آن زمان مردان تنها به مردان و زنان تنها به زنان [برای ارضاء شهوات] می‌پردازند. همانگونه که اهل خانه‌ای نسبت به دختران خانه خود احساس غیرت می‌کنند (غریبه‌ها) نسبت به پسرکان جوان، غیور می‌گردند (آنها را ناموس خود می‌شمرند) مردان به زنان و زنان به مردان شبیه می‌شوند و زنان بر زمین‌ها سوار می‌گردند که لعنت من بر آنها باد.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری. در آن زمان مساجد را همانند کلیساها و کنیسه‌ها تزیین می‌کنند و قرآن‌ها را طلاکاری و زینت. مناره‌ها بلند می‌شوند و خطوط زیاد می‌شوند. قلب‌هایشان نسبت به هم

طوری که گدا یک هفته کامل از مردم گدایی می‌کند اما کسی را که چیزی در دستش بگذارد نمی‌بیند.

- آیا حقیقتاً چنین اتفاقی خواهد افتاد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری! در آن زمان «روبیضه» به سخن می‌آید.

- پدر و مادرم به فدایت یا رسول‌الله «روبیضه» دیگر چیست؟

- کسی که تا به حال صحبت نمی‌کرد برای امور عموم مردم به سخن می‌آید و جز کمی از او فرمان نبرند... قسم به جانم که این همان چیزی است که

امتم برای تفریح و سیاحت افراد عادی برای تجارت و کسب درآمد و فقرا برای ریا و خودنمایی به حج و عمره می‌روند. جمعیتی پیدا می‌شوند که تفکر و تدبیر و تفقه آنها برای غیرخدا (و اهداف غیرالهی) است. زنازادگان زیاد می‌شوند و قرآن را با آواز و غنا می‌خوانند و به خاطر دنیا بر سر هم می‌ریزند و با هم درگیر می‌شوند.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری. در آن زمان به محارم تجاوز می‌کنند و به دنبال گناهان می‌روند، اشرار و بدان بر خوبان مسلط می‌شوند. دروغ علنی می‌شود و لجاجت نمایان می‌گردد. بیچارگی‌ها علنی می‌شود، با لباس‌ها به هم فخر می‌فروشنند و مباحثات می‌کنند و ظرف‌های ناشایست را پر می‌کنند. نرد و شطرنج و آلات موسیقی مورد پسند واقع می‌شوند. امر به معروف و نهی از منکر را انکار می‌کنند، به طوری که مؤمن خوارتر از کنیز می‌گردد. همدستی میان زاهد(نما)ها و قاریان (بدکردار) نمایان می‌شود. اینها همانها هستند که در آسمان‌ها آنها را پلیدان ناپاک می‌خوانند.

- آیا واقعاً چنین خواهد شد؟

- سلمان! قسم به آنکه جانم به دست اوست آری! در آن زمان ثروتمند از وضعیت فقیر هراسان نمی‌شود به

ابن چهارابی بهاری با کی؟



پی‌نوشت‌ها

- ۱- در متن اصلی کلمه «ارهاصات» آمده که به معنای کاری فوق‌العاده است که از پیامبر [یا امام غائب علیه السلام] پیش از بعثت [و ظهور] وی ظاهر شود (لغتنامه لاروس، ج ۱/۱۳۴).
- ۲- رک: بشارة الاسلام، ص ۱۸.
- ۳- رک: موسوعة الامام المهدي عليه السلام، ج ۲ (تاریخ الغيبة الكبرى)، ص ۲۴۲.
- ۴- غيبة نعمانی: ۱۷۰ و بحار الانوار، ص ۵۲، ج ۲۳۱.
- ۵- تاریخ الغيبة الكبرى، ۲۴۵ و منتخب الاثر، ص ۴۳۴.
- ۶- غيبة النعمانی، ص ۱۰۴، تاریخ الغيبة الكبرى، ص ۲۴۶.
- ۷- رک: بشارة الاسلام، ص ۸۶، بحار الانوار، ج ۲۲۸/۵۲.
- ۸- الممهدون للمهدی علیه السلام ص ۴۹، بحار الانوار، ج ۱۸۲/۵۲.
- ۹- المهدی علیه السلام آية الله صدر، ۱۹۸، يوم الخلاص، ص ۵۶۴.
- ۱۰- بشارة الاسلام، ص ۲۵؛ منتخب الاثر، ص ۴۳۲.

دائماً در عصر گمراهی و فسقی که در آن زندگی می‌کنیم، مشاهده می‌شود و با تمام حواس و وجود از آنها خبر داریم. صلوات خداوند بر تو باد یا رسول الله ما را از آن با خبر کردی و سلام بر تو یا مهدیا که روزی همه اینها را از بین می‌بری و عدل و داد را جایگزین آن می‌گردانی روایاتی که تا اینجا ذکر کردیم به فاسد بودن زمانه به طور کلی اشاره می‌کردند و مشخص نمی‌کردند که این حوادث چگونه رخ خواهند داد. با توجه به اینکه می‌دانیم عصر فتنه‌ها پیش از عصر ظهور است و به وضوح در احادیث و روایات بیان شده که عصر ظلم پیش از عصر عدالت خواهد بود و به ناچار باید اشاره و بیان کنیم که برخی از این اخبار به همراه باقی حوادث پیش از برپایی قیامت آمده‌اند که به برداشت ما از آنها خدشه‌ای وارد نمی‌کند چرا که ظهور حضرت مهدی (ع) پیش از قیامت رخ می‌دهد و لزومی ندارد که نشانه‌های قیامت دقیقاً و بدون هیچ فاصله‌ای پیش از آن نمایان گردند.

در قسمت بعد برخی از پیشگویی‌هایی را که معصومین (ع) داشته‌اند و تا این زمان محقق شده‌اند بررسی می‌کنیم که مایه دلگرمی و اطمینان قلب ما باشد که ان شاء الله بقیه آنها که تاکنون محقق نشده‌اند، روزی خودنمایی کنند و در پی آن شاهد ظهور مولا ومفتدا ایمان باشیم.



مرتضی سلمانی
کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی
دانشگاه امام صادق علیه السلام و پژوهشگر

پنج گام تا تمدن اسلامی (گام پنجم تمدن اسلامی)

تمدن اسلامی فراز و فرودهایی داشته و با پیروزی انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی در ایران به اوج رسید و جهان اسلام به سوی بیداری حرکت کرد. مقام معظم رهبری برای توسعه تمدن اسلامی، نظریه جدید «تمدن نوین اسلامی» را مطرح کرده است. بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری گسترش و ترقی تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته جمعی نیاز دارد که در سایه اخلاق، کار و تلاش، ایمان به خدا، عقلانیت، توانایی علمی، اقتصاد شکوفا، برخورداری از رسانه‌های قوی و روابط بین‌الملل به وجود می‌آید، که در ادامه به بررسی این شاخص‌های تمدن نوین می‌پردازیم.

تعریف تمدن اسلامی

تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد... بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است.

مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.^۱ در این تعریف ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر مطرح شده است که منجر به تکامل او و قرب به خدا می‌شود. در جمع‌بندی آرای فوق، نکات ذیل را می‌توان بیان کرد:

- ۱) تمدن اسلامی بر اساس آیات قرآن و توسط پیامبر ﷺ پایه‌ریزی شده است.
- ۲) تمدن اسلامی همه ابعاد معنوی و مادی بشر در همه مکان‌ها و زمان‌ها را شامل می‌شود.
- ۳) از آنجایی که تمدن اسلامی بر اخلاق دینی متکی است، دارای پویایی است.

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲.

به طور کلی، مراد از تمدن اسلامی، همه دستاوردهای مسلمانان در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، مادی و معنوی، صنعت، اختراعات و اکتشافات است که از عصر پیامبر (ص) شروع شد و با گسترش قلمرو اسلامی از مرزهای غربی چین تا اندلس را در بر گرفت. بنابراین می‌توان در جمع‌بندی تعریف مفاهیم تمدن بیان کرد که شاخصه‌های تمدن در دیدگاه اندیشمندان اسلامی با توجه به مبانی فکری و شرایط محیط متفاوت است. یعنی تعدادی از شاخصه‌های تمدن در هر عصری بر اساس شرایط محیطی تغییرپذیر و دارای شدت و ضعف است.

شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

رهبر معظم انقلاب با درایت خویش و با درک مقتضیات زمان، همواره ضرورت توجه به مسائل نوین را در رأس برنامه‌های خود قرار داده است. یکی از آن‌ها مسأله تمدن نوین اسلامی است که تحقق آن طبعاً ضرورت توجه به مسائل نوینی را می‌طلبد از جمله ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل، صدور احکام فقهی مناسب با نیازهای جدید بشری و غیره که به تناسب، این مسائل و دیدگاه معظم‌له درباره آن‌ها را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱. تلاش، کار و ابتکار

اسلام هرگز کار و تلاش را جدا از پرستش و عبادت نمی‌داند. در این اندیشه انسان فعال



تمدن اسلامی



پرتو گسترانی تمدن اسلامی
بر مجموعه عظیمی از دنیا

تکثیر ثروت ملی تشویق و ترغیب می‌کنند. در دیدگاه معظم‌له انجام کارها به بهترین نحو از مسائل فوق مهم‌تر است.^۲ به اعتقاد ایشان در دنیای اقتصادی کنونی، فقط با کار و تلاش شبانه‌روزی و خلاقیت و ابداع و نوآوری می‌توان تمدن نوین اسلامی را پیش برد.

۲. رسانه‌های مدرن، هنر و سینما

مسجد در صدر اسلام به عنوان مهم‌ترین رسانه جمعی و محل انتشار اخبار و عقاید محسوب می‌شد، بنابراین، در گسترش تمدن اسلامی نقش مؤثری را ایفا کرد. بعد از آنکه تمدن اسلامی با رکود مواجه شد، تمدن غربی در صنعت رسانه‌های جمعی به پیشرفت‌های بزرگی نائل گردید. امروزه با وجود فناوری‌های پیشرفته ارتباطی که غالباً از سوی تمدن غربی گسترش می‌یابد، فاصله زمانی و مکانی بین جوامع از بین رفته است و تمدن غربی از این طریق به دنبال نهادینه کردن سبک زندگی غربی و

مورد عنایت خداوند و اولیای او هستند و افرادی که از زیر کار شانه خالی می‌کنند، مورد طرد و لعن ایشان هستند. بر این اساس مقام معظم رهبری بیان کرده است: «کار به معنای وسیع کلمه، شامل کار یدی، کار جسمی، کار فکری و کار علمی و کار مدیریتی، در واقع محور پیشرفت و حرکت و حیات مستمر جامعه است. این را باید همه بدانیم. اگر کار نباشد، سرمایه، مواد و انرژی و اطلاعات، هیچ کدام برای انسان مفید نخواهد بود. کار است که مانند روحی می‌دمد در سرمایه، در انرژی، در مواد اولیه و آن را تبدیل می‌کند به یک موجود قابل مصرف تا انسان‌ها بتوانند از آن استفاده کنند. ارزش کار این‌هاست. در اسلام کار، عبادت و ارزش شمرده شده است». نکته مهم دیگر در بیان ایشان حضور کار و تلاش جمعی است که در کشور ما رضایت‌بخش نیست و جزء خصلت‌های ملی ما نشده است و باید آن را درست کنیم. ایشان مدیران و بازوان فعال کشور را به کار فناوری، صنعت، کشاورزی و تولید و

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۲/۱۰ و ۱۳۸۸/۱۱/۱۲ و ۱۳۸۳/۳/۲۲

اشاعه زشتی‌ها در میان سایر جوامع است. قرآن کریم درباره اشاعه زشتی در تمدن اسلامی این‌گونه هشدار داده است:

«إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۳

از این رو، رسانه‌های مدرن و قوی برای مقابله با فرهنگ و سبک منحرف غربی و نیز برای صادر نمودن ارزش‌ها و مبانی اسلام در تمدن نوین اسلامی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. به همین دلیل مقام معظم رهبری در مناسبت‌های مختلف بر تقویت رسانه‌های مدرن در تمدن نوین اسلامی تأکید می‌کنند و در خصوص هجمه رسانه‌ای تمدن غربی هشدار می‌دهند. برای مثال اصطلاح «جنگ نرم» در نگاه معظم‌له بیانگر هجوم بی‌امان رسانه‌ای تمدن غربی برای استحاله فرهنگی کشورهای مسلمان و حتی سایر کشورها است.

می‌کنند که تمدن غربی به اهمیت آن پی برده است و اکنون در حال پیاده‌سازی نیات درونی خود برای تسلط بر سایر فرهنگ‌ها هستند و در این کار بر اساس کار کارشناسی و با استفاده از جامعه‌شناسان، روانشناسان و مورخان، ضعف‌های ملت‌ها به‌ویژه ملت‌های اسلامی را بررسی می‌کنند. همچنین با شناخت راه‌های تسلط بر آن‌ها، ساخت فیلم‌های خاصی را به فیلم‌سازان سفارش می‌دهند که در این زمینه همه مسئولان و مردم باید از فرهنگ اصیل خود و کشور مراقبت کنند.^۴

۳. بهبود روابط بین‌الملل

ارتباطات بین جوامع در دنیای کنونی بسیار پیچیده شده است و جوامع به ناچار با یکدیگر دارند. علت این موضوع این است که جمعیت جهان و نوع نیازهای بشری دچار تغییرات اساسی شده است. در تمدن‌های گذشته به علت محدودیت جمعیت و نیازهای آنان، اگر تمدنی به هر دلیلی با سایر تمدن‌ها ارتباط نداشت، شاید دچار اختلال‌های شدید در میان جامعه نمی‌شد. زیرا ارتباط جوامع با یکدیگر کم و در حد معاملات پایاپای بود. اما در دنیای کنونی وضعیت برعکس شده و میزان ارتباط جوامع با یکدیگر بسیار افزایش یافته است و بسیاری از صاحبان قدرت از این طریق بر سایر ملت‌ها تأثیر می‌گذارند. برای مثال در صنعت نفت که موضوعی جهانی است، منافع همه کشورها آنچنان درهم‌تنیده شده است که با کوچک‌ترین اتفاقی در جهان، بازار آن دچار نوسان می‌شود. بر این اساس در تمدن نوین اسلامی به دو

در دنیای کنونی میزان ارتباط جوامع با یکدیگر بسیار افزایش یافته است و بسیاری از صاحبان قدرت از این طریق بر سایر ملت‌ها تأثیر می‌گذارند.

ایشان درباره سوءاستفاده گسترده غرب از ابزار هنر به ویژه هنرهای نمایشی و سینما می‌فرمایند: «سیاستمداران غربی با استفاده از این روش، به دنبال سلیقه‌سازی و ترویج سبک زندگی غربی در سایر جوامع هستند». ایشان همچنین درباره اهمیت صنعت فیلم‌سازی برای انتقال فرهنگ‌ها بحث

۴. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲

۳. سوره نور آیه ۱۹



که توسط بنیانگذار انقلاب در پیکره تاریخ تنیده شده است. به همین جهت موضوع فلسطین در اندیشه ایشان، موضوعی شخصی بین فلسطین و اسرائیل نیست، بلکه به همه مسلمانان مربوط می‌شود.^۵

۴. صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای نوین بشر

دین اسلام که به عنوان دین خاتم معرفت شده است (احزاب، ۴۰) باید برای هر مسئله جدیدی که در تمدن نوین اسلامی در خصوص نیازهای بشر مطرح می‌شود، راهکار داشته باشد و این امر به جامعیت قوانین اسلام باز می‌گردد. مقام معظم رهبری نیز بر این نکته تأکید دارند که در حوزه‌های علمیه باید افرادی مسلط به دانش‌های مورد نیاز برای پاسخگویی به نیازهای جدید پرورش یابند. وی می‌فرماید: روزی که در جامعه و کشور ما صد نفر، پانصد نفر، هزار نفر شخصیت روحانی مانند امام وجود داشته باشند، شما ببینید چه حرکت عظیمی در این جامعه به وجود خواهد آمد. وقتی در جامعه ما صدها نفر شخصیت دارای دانش دین و مسلط بر منطق و استدلال دینی در فلسفه و کلام و فلسفه جدید و محاجه با شبهه‌افکنان وجود داشته باشند، ببینید چه اتفاق عظیمی در جامعه می‌افتد. وقتی به وسیله همین مجموعه،

۵. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۱۸

دلیل به روابط با سایر تمدن‌ها نیاز است: موضوع اول همان بحث رفع نیازهای افراد جامعه است؛ زیرا ممکن است در تمدن اسلامی کالایی به اندازه رفع نیاز داخلی وجود نداشته باشد و از طریق این رابطه، به جبران آن کمبود پرداخت. اما موضوع دوم که از طریق روابط بین‌الملل باید آن را مورد توجه قرار داد، موضوع انتقال مبانی نظری انسان‌ساز و جامعه‌ساز اسلام است تا بدین وسیله مقدمه ظهور منجی عالم بشریت فراهم شود. همان ذخیره الهی که تمدن نوین اسلامی را تا درجه اعلایش پیش خواهد برد. مقام معظم رهبری با تأسی بر مبانی فکری و معرفتی امام خمینی علیه السلام بر دیپلماسی بین‌المللی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. ایشان از جهانی بودن مکتب سیاسی امام خمینی علیه السلام یاد می‌کنند که به دنبال صادر نمودن استقلال و عزت انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورها بود. به اعتقاد ایشان نوع صدور پیام مکتب اسلام توسط امام علیه السلام به بشریت با آنچه آمریکا و سایرین با زور و توسل به بمب اتم به دنبال آن هستند، بسیار تفاوت دارد. در مکتب سیاسی، امام فکر درست و سخن جدید خود را با تبیین در فضای ذهن بشریت رها می‌کند. معظم‌له حرکت‌های پدید آمده در فلسطین و سایر کشورها را تحت تأثیر پیام جهانی انقلاب اسلامی ایران می‌داند

هزاران کتاب، مجله و مقاله‌های علمی در سطح دنیا با زبان‌های مختلف منتشر شود، شما ببینید چه خورشید فروزانی از این نقطه عالم بر همه فضای فکری جهان بشری پرتو خواهد افکند. تحقق همه این امور میسر است.^۶

نتیجه‌گیری

مقام معظم رهبری در تعریفی کلی، شاخصه تمدن اسلامی را بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی می‌دانند که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. از جمله شاخصه‌های تمدن اسلامی که اندیشمندان و مورخان اسلامی در تاریخ اسلام بیان کردند و مقام معظم رهبری به شیوه منسجم‌تری درباره آن‌ها سخن گفتند، عبارت‌اند از محوریت قوانین قرآنی، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت در راه خدا، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر. اما معظم له با درایت خویش و با درک مقتضیات زمان، مسأله تمدن نوین اسلامی را با مؤلفه‌های جدیدی مانند ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل و صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری را مطرح نمودند تا تمدن اسلامی پویا شود و در رقابت با دنیای مدرن غرب باقی بماند و پویایی خود را حفظ کند. به اعتقاد معظم له گسترش تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته‌جمعی نیاز دارد که در سایه وحدت، انضباط، کار، تلاش، ایمان به خدا، خلاقیت، عقلانیت، توانایی علمی و داشتن رسانه‌های قوی به وجود می‌آید.

۶. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۳/۲۲



ادبی

فریاد شکر لطف‌عاجاز

سازگار جان محمدتبار